

اخبار دول خارجه

درین روزها روزنامه گزیت از فرانکستان رسید و مطالبی که قابل نوشتن درین روزنامهها باشد در باب هر یک از ممالک دول خارجه نوشته خواهد شد

انگلیس

تاریخ کاغذ آخر که ازین ولایت رسید دهم ذی قعدة است از جمله اخبار که از آن ولایت نوشته اند این است که بسیار از اهل انگلیس امسال از آن ولایت سنجارچ رفته اند خصوصاً بممالک سنکی و نیای شمالی و هند شرقی و هند غربی و ولایت استرالیایا چونکه بعضی از بلوکات انگلیس بسیار آباد و کثرت خلق دارد و سبب اهل زراعت که زمین بقدیر جمعیت ندارند تنگی میکند در هر سال خلق کثیر از آنجا بممالک خارجه میروند که در آنجا ماسکنی نمایند و دیوانیان نیز بقدر مقدار امداد و اعانت باین اشخاص که بممالک خارجه میروند کرده اند که بروند عوض سختی که در ولایت خودشان می بینند در ولایات خارجه وسعت و راحت بینند اما حال از بسکه ازین اشخاص بیرون رفته اند بعضی از مردم تشویش می کنند که در بلوکات اندر زرعایا نخواهند ماند که زمین را زراعت نمایند و اسحق بطوری که حال مردم از ولایت انگلیس بیرون میروند خالی از تشویش نیست حساب کرده اند امسال هر چه بیاتصد هزار نفر مردوزن و اطفال از ولایت انگلیس سنجارچ رفته اند

فرانس

تاریخ کاغذ آخر که از پاریس پای تخت فرانسه رسید دوازده ذی قعدة است در آن ولایت مدارک میدیند بجهت

رئیس آن دولت در بلوکات وسط مملکت فرانس و در مشورتخانه فرانس در باب داد و ستد و دستورالعملیات آنجا قرار میدهند از جمله مواجب المیچان را که بودند سی و دو نفر المیچی و وزیر مختار در ولایات خارجه دارند و اخراجات آنها را دولت و بیت هزار تومان پول ایران دیده بودند و مواجبتان از سه هزار تومان تا بیت و پنجاه تومان است از جمله المیچی کبیر ساکن لندن سالی بیت و پنجاه تومان پول ایران میگیرد و المیچی که ساکن در رده پای تخت اسپانیول است سالی دوازده هزار تومان میگیرد و المیچی که در رده پای تخت پاپا در ایطالیایا و المیچی که در رده پای تخت ممالک استریه باشد سالی هر کدام یازده هزار تومان میگیرند

استریه

در روزنامه وینه پای تخت استریه نوشته اند که چهل و شش نفر از خوانین و غیره این ولایت که چند سال پیش ازین در جنگ مجارستان جنگ کرده بودند و بعضی را حکم قتل و بعضی را حکم حبس ابدی داده شده بود و باره آنها که حکم قتل داده شده بود و اعلیحضرت امپراطور استریه از سرخون آنها گذشته و اگر آنها را هم که حکم حبس ابدی داشتند مرخص کرده است و این اشخاص از آن جمله بودند که چاکران دیوانه که در ایام یاغی شدن خلق بدولت خودشان بصدقت خدمت کرده بودند کشتند و بزرگ مفتدین و باغیان بودند و بعضی از خوانین که بجهت یاغی شدن املاکشان جنسیت دیوان شده بودند و حال املاک آنها را پس داده اند

پس یکی از آن خوانین که باران وی بود چون که این جوان
در قتل خودت خوب کرده بود اطلاق پیشش که بجهت
تقصیر پیش منبسط کرده بودند همه را باین جوان بسبب
خودش و اگر کردند

عکاسی

یک امر عمده در سلاطین کشتی سازیست خصوصاً
دولتی که بسیار بزرگ است و کشتیهای دولتی را در آنجا

سازند و تعمیر می کنند و اسباب حرب در آنجا دارند
اعلیحضرت سلطان بسیار اوقات با بنجاشرف
میرند و خودشان مقبضه عمل آنجا را ملاحظه و رسیدگی

نمایند مانند سایر شهرهای فرنگستان که کشتی میسازند
و تعمیر می کنند و حوضهای بزرگ در همان کشتی سازها
در کنار دریا ساخته اند که کشتی را بیانشان می

و بعد از آن آتش را خالی می کنند درین روزها دو
بزرگ بیان این حوضها بجهت تعمیر آورده بعد از آن آب
حوض را خالی کرده و تعمیر لازم از آن کشتیها نموده بود

و قتی که همه تعمیر کشتیها تمام شده بود سلطان حکم کرد
که راه آب را از دریا کشوند آب دریا حوض را پر کرد
کشتیها بالای آب بیادند و از آنجا بیرونشان کشیده

بیان لنگرگاه اسلامبول برده لنگر انداختند عالی
وزیر اعظم و سایر وزرا و شیخ الاسلام و کل
دولت اسلامبول در آنجا بودند و در آنجا علیحضرت

سلطان نشان مجیدیه از مرتبه اول بجالی پاشا داده بود
احوال متفرقه

سخت شده بود و در تاریخ نوزدهم رمضان دو ساعت
از صبح که شسته صدای مانند صدای رعد شنیدند بعد
زین حرکت کرد از سمت شمال بسبب جنوب بار اول
پارزد و مانند طول کشید بار دوم که سخت تر بود سی ثانیه

طول کشید و زین مانند امواج دریا متحرک گردید و بسیاری
از خانههای آنجا خراب شده اما کسی کشته و تلف نگردید

از کشتیهای بنجار که در دریا ای خط استوار حرکت میکنند
یکی و یک بنجاشرف ترکید و بود و بسیاری از آنها که در
میانش بودند کشته و زخمی شده اند

در آن صفحات جزا خط استوار ناخوشی بسیار بود و
خصوصاً از قسم تب که در آن اطراف میشود و طبعیان
ت زرد میگویند و چنان شدت داشته است

که از یک کشتی که بیشتر از سصد نفر در میانش نبود
شصت نفر ازین ناخوشی گرفته بودند که به بیمارخانه فرستاده

در یکی از روزهای فرانس به تاریخ سیم ذی قعدة نوشته
که طوفان و باران زیاد در بلوک رودخانه پسر آن
مملکت شده بود که آب رودخانه زبور از مجرای خود

بالا آمد و زمینهای آن سست را زیر آب برده بود
چون دو طرف رودخانه زبور زمینهای حاصل آورده
زراعت است بسیار خرابی در آنها بهم رسیده است و

حاصل آن سست بالمره خراب و تلف شده است
و اگر جایبان بر سنگ و یک رودخانه مانده است در

کنار رودخانه دیگر نیز که در آن سست میباشد سبیل شده

۵۲۶

بود و در سه ساعت مفتاب خانه و یک کارخانه
برین عوب و سخته که چرخ آب حرکت میکند و چند طویل
بلند سیل برده بود و شش خانه دیگر نیز در میان یک
وسنگ نمانده و دی نیز در زیر آب نمانده بود و راهی که از
آن سمت بجهت تزد و کال سک بخار ساخته بودند نیز آب
گرفته و خراب شده بود

چند تفرسیح که در سمت سویین بودند بست کوهها
بلند آن مملکت رفته بودند که بالای کوهها برودند قدری
بالا رفتند و وقتیکه طبعی که همسر ایشان بود یک نفس
جست که در میان برف تلف شده بود رفتند و غشش
دیگر در آنجا یافتند که بسیار بریده و کوبیده و مخرج شده
بودند معلوم شد بود که در میان برف و باد دم و بوران
از شدت باد و برف را شازا کم کرده و از سنب سنگ
بپایین افتاده و طاک شده بودند کوههای آن سمت
فرنگستان که کوهستان البس می نامند از همه کوههای فرنگستان
بزرگترند و بلندترند و ایام الاوقات برف در سرانهاست
و مات بلا تک که یکی ازین کوهها میباشد بلندترین کوهها
فرنگستان است

و آن شخص از چرخ بخار پانین افتاده یک دست و یک پایش
در زیر چرخ بخار مانده قطع کردید بعد بصاحبان کال سکها و
صاحبان راه مراجعه کرد و چون قطع شدن دست و پایش
بجهت تقصیر عملجات آزاره بود و بیایست تاوان دست و پا
اورا بکشند و موافق قانونی که نمایان در آن وقت گذاشته
هر اربابی باید از عمد و تقصیر عملجات خودش برآید لهذا
حکم کردند که سالی شصت و نهم که مشتاد نومان پول
ایران با شخص مزبور پسند

در یکی از روزنامه های شهر و بنه پای تخت استر
که دولت انگلیس را اهل سایر دول فرنگستان خود
کرده اند که هر یک یک نفر وکیل از جانب خود بلند
نفرستند که همت طلای سکوک را در آنجا قرار بگذارند زیرا
که انقدر از کلی فایز پیاوسترا بطلای زیاد آورده اند
که جزوی تنزل در همت طلا هم رسیده است و بیشتر ازین
تنزل خواهد کرد و نیز سنند که ازین تنزل افتشاش در
داد و ستد خلق بهم رسیده

نیچاپین دولت مسکی دنیای شمالی و دولت استر
شده است در باب آنکه چند وقت پیش ازین شخصی از اهل
یکدی دنیای شمالی مملکت مجارستان آمده بود و کاغذها
از خود که در ایام یا عیگری مجاریها بزرگ آنها بود و حال در
مسکی دنیای شمالی میباشد آورده بود که بعضی از
اهل مجار نوشته بودند که باز مانند سابق افتشاش و
برسم زوکی در مجارستان نماند که بلکه ولایت مزبور
دولت استر به جدا بشود و این شخص دستگیر کارگزاران
دولت استر شده و مجبور است مصلحت گذار و دولت

۵۲۷

سینکی دنیای شمالی که در پیشتر مقیم است در باب
 استخلاص این شخص کاغذی بوزیر دول خارج استریت
 بود وزیر دول خارج درین باب تحقیق کرده و مصلحت گذا
 مزبور جواب نوشته بود که کاری که این شخص کرده است
 در هر دولتی که باشد تبه او را واجب میدانند زیرا که
 خلاف قاعده و قانون دولت است که در میان دو دولت
 که با هم طریق مصالحه و موافقت دارند شخصی چنین کاری
 نکند که ولایتی را بدولت یاغی نماید از آن جهت این شخص
 محجوس دولت استریت است و باید درین بماند
 از شهر پاریس بیارنج بیستم ماه رمضان نوشته بودند
 که گرامر و راجا چنان شدت داشته است که مانند
 گرامر هندوستان چند رسال که بجا کما
 بسته و در کویهای پاریس زد و میکردند از شدت
 که افتاده و مرده بودند
 بسیاری از اهل چین بملکت کلی فارینا که در سینکی دنیای
 شمالیت آمده اند و چون بسیار مردمان کارکن و
 ریزک و چابک بیباشند در آنجا کارشان خوب
 پیش میرود و قاعده و قانون ممالک سینکی دنیای شمالی است
 که هر کس از اهل هر دولت که باشد بولایت آنها که
 بید از لاقف مدت معین اگر خودش بخواد در آن ولایت
 بماند از رعایای سینکی دنیاست و میشود اما چون اهل چین
 زیاد با آنجا آمده اند و در بعضی مشاغل چون بهترتر پس
 مدعی اهل آنجا میشوند حاکم آنجا میخواست طوری بکند که آنها
 از آن ولایت بیرون بکند بیانه اینکه اشخاص مزبور مردمان
 از دست اجیر اشخاص دیگرند که در ولایت چین میباشند

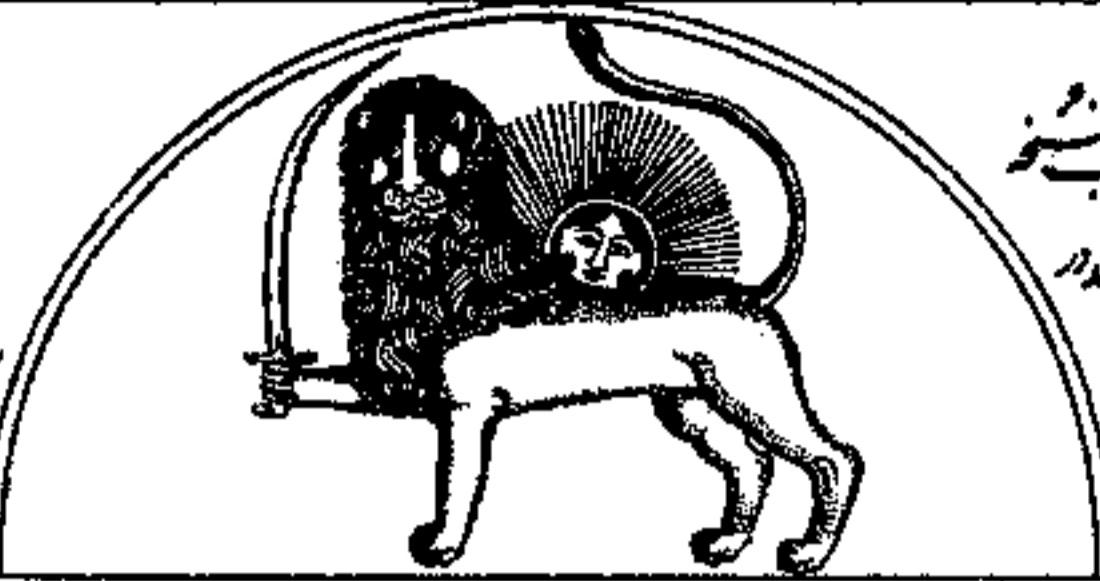
و می آیند چند وقت در کلی فارینا میمانند و راحت میکنند
 اهل چین در جواب این مطلب بدولت سینکی دنیای عرضه نوشتند
 که ما اجیر نیستیم از هر قسم اشخاص در میان ما است از جمله
 صنعت کار و تجارت و غیره راست است که اگر ما چند سال
 در اینجا میمانیم و بعد بولایت خودمان را راحت میکنیم
 سببش این است که می آیم و چند وقت در ولایات
 خارج میمانیم و قدری پول که جمع کردیم بعد از آن بولایت
 خود معاودت کرده در وطن خود سکنی میمانیم اگر
 از ما حسابی و خلاف قانون دیده باشد آنوقت
 جای بازخواست است مشهور است که هرگز از اهل چین کسی
 دست در کویچان ندیده است و در محجوس خانه مقصری که
 از اهل چین باشد میت مردمان کاسب و کارکن هستیم
 و بعضی از ما هم تجارت و داد و ستد زیاد می کنند و
 نقش باید دولت سینکی دنیای شمالی میشود و بودن ما در
 دولت سینکی دنیای شمالی نفع بدولت دارند ضرر
 و اگر خوش قناری هستیم بیشتر خواهیم آمد پس استدعا
 میکنیم که مانند سایر اهل روی زمین اذن توقف داشته باشیم
 و دولت امداد و محافظتی از ما بکند که کسی با اذیت نکند

اعلانات

قیمت کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالحمید در نزدیکی
 دولا بظباع شده از این قرار است
 کسکول هشت هزار دینار
 حدیقه اشیه یک تومان
 زینت المجالس یک تومان
 فضول خوارزمی دو تومان

روزنامه قایم اتقا و تبایح زور به بیست و نهم ماه پنج احر امطابق سال سیچان میل ۱۲۶۸

همین روزنامه
یک نسخه به هر کس که بخواهد
چهار سزار دینار
قیمت اعلانات
یک سطر اول چهار سطر بجز در دینار
بیشتر باشد هر سطر یک سطر



بر پیشگاه و نهم
هر کس در طهران طالب نشود
ازین روزنامه باشد
باز در جدید در دینار
سیصد و شصت و شش و شصت و شصت

اخبار واحسانه ممالک محروسه پادشاهی

دارا مخلاف طهران

در روز پنجشنبه هفتم گذشته اعلیحضرت قوی شکست
پادشاهی بجهت کشت و تفریح سوار شده به عمارت
مصر قاجار تشریف بردند و تا عصر در آن جا تشریف
داشتند بعد از صرف عصرانه و چای نزدیک مغرب
اقتاب به عمارت مبارکه ارک سلطانی سعادت
فرمودند

حایون کرده بود مقبول افتاده مورد التفات طوکانه
گردید و جناب مجدت و جلالت لصاب صدر اعظم
حسب الاشارة العلیه بنواب مستطاب شاهزاده
والاستباحت حشده الدوله حمزه میرزا صاحب اختیار
مملکت آذربایجان نوشتند که قدغن نمایند که مباد
امور دیوانی اردوی ستمری و وظیفه و طیفه حواریان
اردوی را با استحضار عالیجناب مشارالیه برسانند
و بعد ذلک بدون استحضار عالیجناب مشارالیه
بار باب مستیرات و وظایف و طیفه داده نشود
و یک لوب عبا یی تره از دربار حایون بافتخار عالیجناب
مشارالیه مرحمت و ارسال کردید

و همچنین در روز سه شنبه هفتم این ماه بجهت
ملاحظه مشق افواج قاهره نظام بمبدان مشق خارج در
دولت تشریف فرما گردیدند و افواج قاهره متوقف
دارا مخلاف مبارکه کلاً در میدان مشق حاضر بودند و
مشق شیلیک نمودند و مشق آنها و مشق سواره نظام
که با کمال آراستگی و انتظام بودند پسند خاطر حضرت
اقدس حایون پادشاهی کردید

از آنرا که منظور اعلیحضرت پادشاهی دایم الاوقات
ترتیب و اکامی و داناتی عموم رعایای این دولت
علیه است از هر ملت و مدب که باشند چنانچه در
روزنامه سابقه نوشته شده است بنا که داشته اند
که بجهت اطفال اراده تبریز در سه درجه ط کلبیای
آنها بسازند و چون که خود امانی و دولت علیه درین باب

چون عالیجناب میرزا اسد الله امام جمعه اردوی
جلو دعا گوینان و خیر خوانان این دولت علیه و بصفت
و دبانست موصوف است لهذا مستعد عبا یی که از دربار

وقت تمام خواهند کرد و استاد و معلم خوب از طبای
ایران در آنجا خواهند گذاشت و امید است که بسیار فایده
خوب بجهت اطفال مزبور نماید و درین دولت علیه تربیت شوند
و خود شاهزاده و الایب ارشمت الدوله صاحب اختیار
ملکت آذربایجان درین باب اهتمام نموده اند و این مدرسه
بطور خوب با تمام خواهد رسید

امور استقونلی

درین روز ما مقرب انخاقان میرزا فضل الله وزیر نظام درین
دو عراده توپ سه پوند بلند قدر نیجه و با تمام رساند
و بجهت اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی شگش نمود
بپار استخلاف طهران فرستاده اند و بلاخط انسانی دولت
علیه رسیده بسیار پسندید و افتاد و کل صاحب منصبان
فرنگستان که این توپها را دیده اند تصدیق کرده اند که گمان
توپهای خوب فرنگستان بجزر شده است

درین اوقات حسب الامر قدس هایون پادشاهی
اولیای دولت قاهره قراری در تومان بندی افواج
قاهره مالک محروسه داده اند و احکام نظام بکل صاحب
افواج قاهره صادر شده که از انقرار هر یک جا و تمام
خود را دانسته و رسید قهای خود هر یک اسم و عدد
تومان و فوج خود را نقل نمایند و در ایستادن مقام خود
بمانند و تفصیل از قرار فرد جدا گانه است که در روزنامه
آینده نوشته می شود

درسم چنین حسب الامر قدس هایون پادشاهی
بعضی از افواج قاهره را بمیران نیجه از قرار تفصیل جدا گانه
سپرده اند که در انتظام کار آنها رسیدگی نمایند و احکام

نظام بصاحب منصبان افواج مزبور صا و ر کرده
و همچنین در کار سواره نظام نیز حسب الاشارة
وارد داده شده و احکام نظامی بسر کرده کان آنها
صادر کرده

عالیجا جعفر قلی خان سرزنک توپخانه مبارکه که مدت
دو سال و نیم بود که با دولت و پنجاه نفر توپچی مامور
خدمت فارس بود در روز بیستم ذی حجه با توپچیان

جمع خود وارد دربار هایون پادشاهی گردیدند و بنظر
جناب محبت و جلالت نصاب صدر اعظم انخم
در میدان ارک رسیده کلاً با تدارک و اسب مسلح
و انتظام تمام ملاحظه شده و جناب معظم الیه نسبت
بشار الیه و توپچیان جمعی او کمال التفات را نمودند و
در روز پانزدهم این ماه نیز عالیجا و محمد علی بیگ
با در اول توپخانه مبارکه که مدت یکسال و نیم بود

با سیصد نفر توپچی مامور خدمت ارض قدس حیران
بود و در دربار هایون پادشاهی گردیده در میدان
ارک بنظر جناب جلالت نصاب صدر اعظم رسیده
و در تدارک و اسب و کمال آراستگی و انتظام
داشتند و بعد از ملاحظه انسانی دولت علیه عالیجا
جعفر قلیخان و محمد علی بیگ با توپچیان مزبور که از فارس
و خراسان آمده بودند شرفیاب حضور مهر ظهور
حضرت اقدس هایون پادشاهی گردیدند و مورد

مراحم و نوازشات ملوکانه شده هر یک از
عالیجان شار الیه صاحب الاشارة العلیه خلعت
مرحمت و عنایت گردید

ک

فوج فیروز که که بجهت ما مرتبت اصفهان حاضر گام
 حضرت انتساب مایون شده بودند در روز چهارشنبه
 بیت و یکم این ماه در بخاراستان حاضر شد ^{مجلس}
 لشکر نویسن باشی و این لشکر و سایر لشکر نویسان
 سان آنها را بدقت دیدند که روانه اصفهان شوند
 اخبار شهر

و فوج شقایق از چین ورود بقارنس در سیاق متوقف
 بوده اند و در روز پانزدهم ماه ذی حجه عالیجا به شاره
 با فوج خود وارد شهر شده اند و لواب شاهزاده و الایا
 نصره الدوله فیروز میرزا صاحب اختیار مملکت فارس
 بجهت ملاحظه مسان و مدارک فوج مزبور بخارج شهر رفته
 و سان آنها را دیده اند

از قراریکه در روزنامه شهر نوشته اند درین اوقات
 فریب بدو بیت عروسی شده و انواع جنس و ماکولات
 از هر چیزی کمال و فوردار زانی را وارد و هوای شهر در نیاید
 اعتدال است و عموم حلق در آسودگی و فراغت مشغول
 دعای دولت جاوید مدت علیه میباشند و درین
 اوقات که ماه محرم و ایام تعزیه داری جناب سید اشهد
 نزدیک است مردم مشغول زدن چادرها و بستن تکیا
 میباشند و تا بحال فریب بهفتاد چادر در تکیا باز شده است

از قراریکه نوشته بودند لواب شاهزاده نصره الدوله
 منصب و خلعت امارت دیوانخانه فارس را بجا
 میرزا شیحان نوری داده اند و عالیجا به شاره الیه
 بکار مردم دقت و رسیدگی کمال دارد و امر دیوانخانه
 فارس بسبب انتظام و اهتمام شاره الیه بسیار منضبط
 و منظم میباشد

سایر ولایات

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته شده بود
 پنج سال متوالی است که در فارس قحط خوارگی بیم
 مع بذارین سال و فورعت و ارزانی غله و حبوبات
 و اقلام فواکه بنوعی است که در هیچ ایامی باین وفور
 نبوده اما چون در فارس حرفه و راه معاش بجز زراعت
 بجهت خلق نیست محصول بعضی از بلوکات را که بلخ خورده و
 بعضی را که نخورده مطلقا تسعیر ندارد و باین واسطه قدر
 بخلق سخت و تنگ میکند

امریخته خانه فارس از قراریکه نوشته اند بسیار
 خوب بر راه میرود و علامت حیت خانه حسب الامر لواب
 شاهزاده نصره الدوله مشغول ساختن تفنگ
 سر بازی میباشند و بسیار خوب میتازند
 و تا بحال بقدر پانصد قبضه تفنگ انقاد در بار مایون
 داشته اند

از افواج متوقف فارس از قسرا یک در روزنامه
 آنجا نوشته بودند هر روز افواج ایلات قشاق
 و عرب با توپچیان ابواجی عالیجا به بابیک باور
 توپخانه مبارکه در میدان درب خانه مشغول
 شق میباشند و در کمال نظم و درستی حرکت میکنند
 و از احدی از آنها خلاف قاعده نسبت کسی ناشی
 و صادر نمی شود

۵۳۱

و قد او یکو جب و نیم بوده و دندان هم داشته است
 و گاهی هم که پیکر کرده است و تمام اهل کارزان از
 مردوزن تماشای او میرفته اند یک روز زنده
 بوده است و بعد فوت شده است و بخش او را در
 امامزاده شاه میرحزوه گذاشته بوده اند و مردم
 بسته تماشای او میرفته اند

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته شده بود
 امر آنجا از اتهامات نواب مستطاب شاهزاده و الی
 هشام الدوله خاندن میرزا صاحب اختیار عربستان
 و لرستان و بروجرد و ختباری در کمال انتظام و
 انضباط است و عموم رعایا و سکنه و امالی آنجا
 بکار عمیستی و زراعت و کسب و کار خود و دعا کونی
 ذات اقدس بایون اعلی حضرت پادشاهی شغولند
 و از احدی خلاف حساب و قاعده ناشی و صادر
 نمی شود و اگر اجبانا از کسی خلاف حسابی صادر شود
 نواب معزی الیه بتمام نادیب و تنبیه او بر آمده و خود
 بنفسه بکار مردم رسیدگی می نمایند و امالی آنجا
 ازین وجه نهایت رضامندی و شکر گذاری دارند
 و بحدود و فور لغت و سزاوانی و ارزانی در آن
 ولایات است غله و حبس از هر چیزی در آنجا
 بسیار و ارزان میباشد که اینک از قراریکه
 نوشته بودند در دست حجت قدری در رخ کشندم

ترقی میباشد
 اخبار دول خارج

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند حاجی نصیرنا
 از اهل قزوین که در بدو ادعای بابتیه خود را سر خلیل این
 طایفه ضاله میدانت و از قراریکه در اول مس پیران
 عقب باب آورفته بوده است و در دعوی بابی در قزوین
 هم بوده است چون شخص مزبور درین باب معروف و مشهور
 بوده است بعد از ظهور ثور حیات این فرقه ضاله بصره
 خسروخان والی مشارالیه را در قزوین حکم کرده است که قضا
 و الان در آنجا مجوس است

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته بودند که جماع
 لغز اهل چوشقان از قریه مورچه خوار میکشدند چند
 نفر زرد با نهار خورده و دو نفر شتر از آنها گرفته و بز
 شتر دار را بقریه مزبوره آورده و اهل آنجا را خبر کرده اند
 طوق و سوارچ که در آنجا بوده اند فی الفور سوار شده
 و وزدان را تعاقب نموده با نهار رسید و مشغول محاربه
 شده اند و درین بین چون شب شده و تاریک گردید
 و وزدان شتر را راجا گذاشته و فرار نموده اند غلامان
 مستحق شتر را با اصفهان بنزد عالیجاه چراغ علیخان
 برده اند و عالیجاه مشارالیه شتر را با صاحبانش برده

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته شده بود در کارزان
 در شب چهارم ماه ذی قعدة مولودی متولد شده بصورت
 کدبه سرش بسیار کوچک و بدنش نامنقش مثل تنگ
 و انگشتانش هم بافت و یکپایش بلند و دیگری کوتاه و

ل
 باب
 مربوط به
 ۲۵
 زینت ظواهر
 شماره ۱۸

از جمله اخبار فرنگستان که در این روزها رسیده است این است که در ولایت انگلیس فتوئی که چهره ساخو ولایت است و قیسه میماند در کار بودند و میگرفتند در هر یک موافق و معین سببه مشق جمع می شدند بسیاری از دول خارج تعجب میکنند که درین ایام صلح دولت انگلیس چرا باید قشون خود را زیاد بکند و تدارک جنگ بیند خصوصه اهل فرانسه را تحت دارند و این کار را علامت کی اتحاد نسبت دولت خودشان میدانند و لکن حرف دولت انگلیس این است که دولت ما با کل دول خارجه کمال دوستی و یگانگی دارد اما تکلیف هر دولتی این است که ولایت خودش را بی تدارک نگذارد و در میان اهل انگلیس و اهل فرانسه بخلاف ایام سابق حالاً دوستی و یگانگی است و تجارت زیاد بیکدیگر دارند و ترده و آمد و رفت ما بین دولین بسیار میشود از آنجمله اگر بر مسجور و کی روی به بد طرفین زیاد متضرر می شوند

احوال متفرقه

ناخوشی دیوانگی که سگ دیوانه آدم را بگیرد و دیوانه بشود تا بحال در کل روی زمین بی علاج میدانستند و حالاً هم که علاجش تعیین شده است و لکن در روزنامه دولتی مملکت نوشته در باب علاج این ناخوشی این طور نوشته اند که چند سال پیش ازین موسیو سترشتی نام جراح در پانچا سنگو در مملکت یوگرین روس سیاحت میکرد در یک روز پانزده نفر که سگ دیوانه آنها را کزیده بود پیش او آمدند و حسینی که بعضی از دوا را حاضر میکرد که بآنها بده چند نفر از ریش سفیدان و رعایای آنجا پیش جراح مبرور و از او اذن خواستند که اینهارا که سگ دیوانه

کزیده است بپرنده پیش یکی از رعایای آن سست که این ناخوشی را علاج میکند چون آن شخص درین خصوص شهرت داشت جراح قبول کرد و اذن داد بشرطی که علاجش آبان جراح هم بگوید که یکی از سگ کزیده را خود این جراح معالج بکند چهارده نفر آنها را پیش آن شخص رعیت بردند و معالج کرده همه چاق شدند و هیچکدام نبردند کل عافی را که در دهان داشتند و در فرنگستان بسیار است بقدر صد و پنجاه مثقال بسیار آب گرم گذاشته و جوشانده و آبش را بآنها میداده روزی دو نوبت زیر زبان آنها را نگاه میکرد و گفته بود که کسی که دیوانگی کزندی سگ بهم میرساند زیر زبانش دانه میزند و زهرش در میان آن دانهات بعد از چند روز این دانه در زیر زبان آنها پیدا شد و آن شخص دانهها بریده بعد از آن باسیم که در میان آتش سوز کرده بود و باغ نموده و دانه شان را با آب جان علف شست و به این چهارده نفر معالج شدند و د نفر دیگر که آخر سگ آنها را گرفته بود ازین دانهها در نیارند بعد از سه سال همین جراح این چهارده نفر را زنده و صحیح البدن در آنجا دیده بود و بیکرا که خود این جراح معالج کرده بود دختری بود شش ساله در روز هفتم باز دیوانه شده و بعد از چند روز مرد چند سال بعد از آن که همین جراح دید که بیست و شش نفر که سگ دیوانه کزیده بود بهین طور معالج کردند و همه را چاق نمودند چون که در سمت شمال مملکت فرنگستان سگ دیوانه بسیار میشود و مردم را میگیرد که دیوانه می شوند و همیشه این کذاریش را در روزنامه نوشته اند که مردم آنجا با امتحان نمایند

۵۳۳

امیر عبد القادر جای گریز نداشت خودش آمده و سبکگر
 فرانسه شد آنوقت بنا بود که با و اذن بدهند که بملکت
 خارج برود اما بخلاف عهد نامه امیر مزبور را محسوس کرده
 و هنوز هم در مملکت فرانسه محسوس است بعضی از
 مردم میگویند که گذارش امیر عبد القادر مناسب
 باحوال ناپلیان دارو که خودش آمد بنزد دولت انگلیس
 و در جزیره سنت هیلنا محسوس کردند یکی از خواهرین
 انگلیس که نام او لارڈ لندن وری میباشد و حضور
 عبد القادر با رسال کاغذی بلوئی ناپلیان نوشته
 بود و خواستش کرده بود که لوی ناپلیان طوری بکند که امیر
 عبد القادر رخصت حاصل باشد لوی ناپلیان هم
 وعده داده بود که اگر ممکن باشد در سال آینده که اسما
 باشد او را مستخلص نماید حال لارڈ لندن در ی دو با
 کاغذی بلوئی ناپلیان نوشته است که بلکه امیر عبد القادر
 مستخلص نماید لکن لوی ناپلیان بجهت مصلحت دولتی قبول
 نکرده است و امیر عبد القادر باز در حصار است محسوس
 از جمله سرگردگان رشید نیز که در آن جنگها که عربها
 فرانسه کردند و در زیر حکم امیر عبد القادر بود یکی نامش
 عبد الله بن محمد بود و لقبش ابو معزّه او هم قسبک و پیکر
 جای جنگ و اسناد کی نیست خودش آمده و د سبکگر
 دولت فرانسه کردید و لکن در عرض اینکه سخت محسوس
 باشد اذن پرون رفتن داشت چنانچه بود که خودش
 بدولت فرانسه عهد کرد که نگر بود درین روزها خیال
 کرده بودند که ابو معزّه گریخته و بملکت پلر رفته است و بعضی
 از انمای دولت فرانسه درین خصوص بسیار متشوش

در یکی از روزنامه های مملکت اسپانیول نوشته اند
 که اولاد لوی فیلیپ پادشاه سابق فرانسه وزن
 بنا و استند بشهر کرده بیاید و مدتی در مملکت اسپانیول
 توقف بکنند و یکی از شاهزادگان استر که در ولایت
 اسپانیول بود از شهر که پیر پرون رفته بود که بجزیره
 مدیتره برود
 موافق قاعده که هر ساله دارند خریدند که در حصار پطر
 پاوالوف در سنت بطرز بونج دارند مشهوره آن
 هفت و بیست و هفت هزار مانت پول طلا بود و در میان
 و هفت هزار مانت پول نقره که تخمینا سه کرد و پول
 باشد
 در ولایت فرانسه وقتی که لوی فیلیپ را بیرون کردند
 و دولت جمهوری برپا نمودند اسامی بعضی کوچا و میدانها
 درین ولایت که مناسبت بدولت قدیم داشت
 عوض کرده بودند مثلاً در جانی که میدانی بود که میدان
 شاهی مینامیدند آن اسم را برداشتند و میدان
 آزادی اسم گذاشتند درین روزها اسامی
 قدیم کوچا و میدانها را باز برقرار کرده اند که با اسامی بن
 گفته شود
 در وقتی که دولت فرانسه مملکت آنست مغرب
 که جزیره العرب بنام تصرف شدند تا مدت ده
 سال امیر عبد القادر نام بانجا جنگ کرده بلکه ولایت
 سحیطه تصرف بیاورد و اهل فرانسه را از آن ولایت بیرون
 بکند بعد که دولت فرانسه در آن ولایت تسلط شد

۵۳۴

شده بودند تا خودش از شهری دیگر گرفته بود کاغذی
 نوشته است و مضمون کاغذش این است که من هرگز
 بکسی بد عهدی نخواهم کرد و موافق اذن که از دولت
 فرانسه دارم از شهر بپشت و سیاحت کرده ام
 و اگر بخواهم باز بجای اقامت خود می آیم سر کرده حصاری
 مرا شناخته است عجب عجب خودش را بتوشلیش
 انداخته است این کاغذ که با منای دولت فرانسه
 باز خاطر جمعی از او معترف حال کردند

میکویند شخصی از طالبانست مبلغ کلی نذر بسته است که از
 قصبه تکی که آخر خاک فرانسه است تا دور که اول
 انگلیس است در آب دریا شنا نماید دریا در اینجا بیشتر
 از چهار فرسخ عرض دارد یقین نیست که خواهد رفت باز آن
 در کلی هر روز میان آب میرود و مشق شنا نماید تا آب
 که در صوفان بگذارند

علیا حضرت امیر ابراهیم که زوجه علی حضرت امیر طبرستان
 در هنگام توقف خود در شهر گلون پنجاه هزار با جا طویله
 تعمیر کلیسای آنجا داده بود

در روزنامه های هندوستان نوشته اند که قشون
 که در شهر رنگون بودند حصاری که نزدیک با آنجا است
 بستن مینامند بگله گرفته اند سه نفر از سرباز انگلیس کشته
 شده اند و هفت نفر صاحب منصب و بیست و چهار نفر تان
 هم زخمی کرده اند

در یکی از روزنامه های هندوستان نوشته اند که در سیس
 و فرانسه میخواهند فراری بگذارند که محافظت شهر روم
 مالک پا پا در دست اهل استریه باشد و قشون فرانسه

استخار اخالی کرده بولایت فرانسه مراجعت نماید و قشون
 فرانسه قشون استریه بیاید و ساخلو آن مملکت با
 در بعضی جاها که راه آهن بچینه ترده کاسک بخار و عرابه
 میانند چونکه کاسک بخار بجای است و بلند حرکت میکنند
 باید راهها را صاف نمایند ازین جهت بسیار اتفاق می افتد
 که باید زیر پشته یا کو را سوراخ نمایند در مملکت مجاری
 ازین راهها ساخته اند که دو فرسخ و نیم طول دارد و از
 کنار رودخانه قرآن تا معدن که در آن سست است
 ساخته اند و درین راه ریز زمین هم ترده و عرابه و بارش
 و مردم میشود و هم آب زیاد می معدن از آنجا میرود
 می آید و برودخانه می افتد

در یکی از معدنهای ذغال سنگی در مملکت فرانسه
 غریب بیرون آمده است مانند آتشی که در شهر باد کوبه از
 زمین بیرون می آید مشهور است که بخار ذغال سنگی که در
 معدن جمع میشود اگر چراغ یا چیزی دیگر نزدیک او بگذارد
 آتش میگیرد و مثل باروت میوزد نزدیک شهر ماژور مملکت
 فرانسه معدن کهنه است از ذغال سنگی که نزدیک
 سی و پنج سال است که در ادکار نگرده اند عن چای که با
 معدن میرو و ششاد و چهار ذریع است و از ترس اینکه
 سباده کسی در میان او بیفتد چند ذریع از او من چاه که پائین
 میرود تیرا گذاشته اند و خاک برایش ریخته اند
 این روزها بالای این خاک آتش میرون آمده است و بخار
 که در میان معدن است پوسته از معدن بالای آید و
 نمی گذارد که آتش خاموش بشود میدانند که این بخار خود بخود

آتش گرفته است یا اینکه از خارج آتش با آنجا افتاده
 شعله این آتش یکدیگر بلند می شود و رنگ شعله آتش
 سفید است مایل به بنفش معلوم نیست که این آتش
 مایه دوام خواهد داشت یا چگونه خاموش شود دیگر
 آن چو بها که در زیر است بسوزد و خاک میان معدن
 بریزد مردمان اطراف معدن هم ازین مرحله آتش و آتش
 که اگر چنین شود آنوقت بجا که در میان معدن است
 کلاً آتش گرفته و زمین را مانند زلزله سخت خواهد ترک
 جمع شده اند و خاک مسخ را با آب سرشته کرده بر روی
 آتش میریزند که شاید خاموش شود و ازین کار هم
 احتیاط می کنند که مباد آتش بگردد و آنجا را پاره
 نموده با طرف بیگانه و سبب آذیت و تلفات خلق شود

خیال کردند که خاموش کرده اند اما بعد از دو ساعت شعله آتش بالا
 گرفته و تا ظهر روز دیگر خاموش نشده بود خانمانی که سوجه
 اکثر مال کسبه و فقر است سایر مردم شهر مخصوصه فقر و آوارگان
 که بی منزل مانده بودند آنچه توانستند در میان خانهای خودشان جا
 دادند اما بسیاری هم بی منزل مانده و بازن و بچه در بیرون شهر
 مانده اند بعضی هم میگویند که بیشتر از هزار و چهار صد خانه سوخته
 و بقدر پانزده هزار فقر بی منزل مانده اند و نزدیک یک شصت
 این شهر سوخته است اعیان شهر لنگدن جمع شده اند
 که خواهی در راه احسان محضانه جمع بکنند و از برای آن
 بچارگان بفرستند چند سال پیش ازین نیز شهر هم سوخته و در مملکت
 آتش گرفته بود مردم خواه زیاد بجهت اهل آنجا جمع کرده بودند
 کمان دارند که حالا تیر پول و سایر اشیاء بقدر کفایت این
 اشخاص جمع بکنند

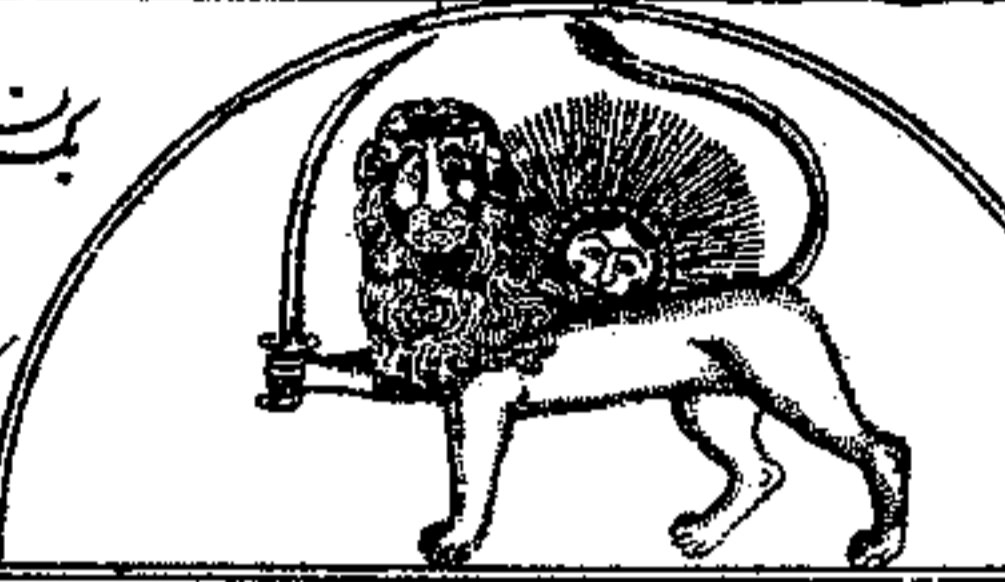
اعلانات

کتابهای چاپی طرآن که در کارخانه حاجی عبدالعزیز باس	در محله نزدیک دروازه دولاب انطباع شده از این قرارند
میشود	
مجمع البیان	شش تومان
تفسیر امام حسن	یک تومان
مشکول	هشتاد و دنیا
حدیقه الشیعه	یک تومان
زینت المجالس	یک تومان
فصول حواری	دو تومان
شاهنامه	پنج تومان
قاموس	دو تومان

در روزنامه انگلیس نوشته اند که شهرت ریال در کانادای یکی دنیای
 شمالی آتش گرفته است و تخمیناً هر روز در شب خانه سوخته است و بقدر
 دو هزاره هزار فقر بی خانه و منزل مانده اند و خلق بیشتر از دو و
 سفر شده اند در تاریخ مینم رمضان این آتش در یکی از محلهای
 این شهر افتاد چو که خانهای آنجا اکثرشان بهم متصل اند
 و بجهت حرارت تابستان جنسی خشک بوده اند آتش زودتر
 شده است بیمارخانه در آن اطراف بود و اعیان شهر رسیدند
 که آن بیمارخانه هم بسوزد جمع شدند و با شیدن آب
 نگذاشتند که بسوزد درین بین آتش کوچک رسید که شاتر در
 عرض داشت مردم خیال کردند که با نظرف شهر سیرت
 اما با دچنان شدت داشت که آتش را با نظرف کوچ بردند
 ابتدای این آتش در طلوع آفتاب بود و دو ساعت از شب رفت

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ روز شنبه هفتم ماه محرم الحرام مطابق سال سی و چهارم بیست و نه

شرفه نود
بر کسر در طهران
ازین روز تا ماه آینده
بازار جدید در کالان
بازار قدیم فروخته شود



قیمت روزنامه
یک نسخه در هر روز
قیمت اطلاعات
یک نسخه در هر روز
قیمت اخبار
یک نسخه در هر روز

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز چهارشنبه هفتم گذشته اعلیحضرت قوی گوشت پادشاهی بجهت تماشای مشق و حرکت قشون نظام که در میدان خارج شهر نزدیک باسب دوانی مهیا و آماده شده بودند تشریف فرما گردیدند و قشون پادشاهی از سرباز و توپچی و سواره نظام و غیر نظام مشق جنگ نموده و شلیک توپ و تفنگ کردند و از اینکه مشق کرده و آموخته بودند و در کمال چابکی حرکت نمودند حرکت و مشق آنها در نظر اقدس بایون حضرت لورکان بسیار مقبول و پسندیده افتاده میران پنجه صاحب منصبان نظام و محلیین فرنگستان که مشغول مشق دادن نظام بودند با عموم آحاد و افراد نظام توپچی و سرباز و سواره مور و تخمین و نوازشات خیر و کردیدند و بهر یک از آنها انعام طوکانه محبت کردید درین اوقات که ایام عاشورا و سنگام تعزیه داری جناب اباعبدالله حسین علیه آلاف التحية والثناء میباشند عموم خلق دارالخلافه طهران از توسیع و شرف جیاده

تکابا و مساجد و مجالس مشغول تعزیه داری و روضه خوانی و حصول دعا کونی بجهت دانت اقدس اعلیحضرت پادشاهی میباشند و تا امروز که پنجم عاشورا است صد و پنج مجلس تعزیه و صد و پنجاه مجلس روضه خوانی میشود و تا عاشورا همین قدر با مجالس تعزیه داری و روضه خوانی افزوده خواهد شد و کل اهل شهر از تجار و کاتبه و غیره دست از کسب و کار خود کشیده و در کاکین را بسته مشغول تعزیه داری و بسن تکابا و فرام آوردن اسباب مجالس تعزیه داری میباشند و ایجا محمود خان کلانتر سببه نظم محلات و تکابا شبها و روزها با آدمهای خود در گردش میباشند و از آنکه خدایان محلات حسب الامتثال و دولت قاهره التزام گرفته اند که در هیچ یک از تکابا و کدرا و مجالس تعزیه خلاف حسابی واقع نشود و که خدایان نیز حسب التزامی که سپرده اند کمال مراقبت و مواظبت را بر یک در محله خود دارند و از اتمام امتثال و دولت قاهره از احدی خلاف قاعده ناشی و صادر نمی شود و با نهایت نظم و خلوص بقت مشغول تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه السلام

در روز دوشنبه گذشته پسر حاجی محمد علی جدید
 در جیب خود داشته است که چاه دانه با قوت و زبرد
 در آن بسته بوده است بشکلیه چهل تن فرستاده و در آنجا
 بتزیینت است دستمال ارجیب خود بیرون آورد
 و از خاطرش رفته است که صبیح نماید و بعد از آن نام
 قریه برخواست و پی کار خود رفته است وقت مغرب که
 بخمال دستمال و جواهرات افتاده و دیده است که در
 نیت مضطرب و سر اسیر بشکلیه چهل تن فرستاده و در آنجا
 اظهار نموده است علی اکبر نامی دستمال و جواهرات او را
 پیدا کرده بوده است آورده تمام و کمال بدون کسر
 و نقصان تحویل و تسلیم مشارالیه نموده است

نظر بصلاحیت و شایستگی جناب میرزا کوچک صدر
 درین روز صاحب الاشارة الطیبه یک ثوب عبای ترمه
 و در سلسله بسم خلف در حق مشارالیه حرمت و عناية
 کردید

امورات قشونی

در روزنامه بعد که گذشته فرستاده شد که متفرق با
 میرزا فضل الله وزیر نظام دو عزاوه توست به نوبت
 در آذربایجان ریخته و سوار عزاوه نمود چنگش خاکپای
 اعلیحضرت پادشاهی کرده و بدر بارهایون فرستاده
 توپهای مزبور بظرف مبارک پادشاهی رسیده و پسند
 درین اوقات محض ظهور محنت ملوکانه در بازاره متفرق
 مشارالیه یک ثوب خیمه ترمه از لبوس تن مبارک کسب
 خلف با افتخار و حرمت و عنایت گردیده از دربارهایون
 ارسال شد

حالیجا مصطفی قلیخان شایطرا التوباد و سیت فرسوانه
 شایطرا التوبه که حسب الامر اعلیحضرت پادشاهی خیار
 برکاب نصرت اقتاب شده بودند در روز پنجم محرم
 حاضر کاب هایون شدند

حالیجا صفی علیخان شاسون اینانلو که یکسال تجاوزه
 بود با سواره خود و مأمور خدمت ساخلو خراسان
 بود و درین روز با احضار کاب هایون شده بود
 در روز پنجم ماه محرم با سواره خود حاضر در اخلاص طهران
 گردیدند

حالیجا جعفر قلیخان سرکنک فرج خدا بنده لو که
 یکسال بود حسب الامر مأمور خدمت ساخلو کرمان بود
 این روز که حسب الاشارة العلیه احضار کاب نصرت
 اقتاب هایون شده بود بعد از ورود و بکاشان
 فرج خود را حسب احکام ترخص خانه نموده و خود با چند نفر
 از صاحب منصبان فرج مزبور در روز چهارم ماه محرم
 بدر بارهایون شرفیاب شدند

حالیجا جواد خان شقایق که با چهار صد نفر سواره شقایق
 جمعی خود را احضار بر کاب هایون شده بودند و در
 ششم محرم وارد دربار جهاندار پادشاهی گردیدند
 درین روز صاحب الامر اقدس کاب هایون اعلیحضرت
 پادشاهی انجام امورات قمرخانه مبارک که وجبه خانه
 مبارک که در سلسله دار القنون و لبوس نظام بعد
 کفایت متفرق با افتخار و حرمت و عنایت گردیده از دربارهایون
 و اگزار گردید که در امورات آنها رسیده کی نموده

۵۳۸

و غنیمت داشته حسن صداقت خود را در پیشگاه اقدس
ها یون ظالم سازد

عالیجاه حاجی مبارک را نظر بلا حظه خدمات و صداقت
او در امور زیت خراسان حسب الامر ها یون منصب
سرتیپی سواره نامتکلی حشمی عالیجاه مراد قلیخان و
پادشاه و کتک کتک جمعی عالیجاه حاجی محمدخان و لقب
حانی از فرار زمان جهان مطاع مبارک سرافراز فرود

فوج بهادران که حسب الامر ها یون مامور خدمت ساطع
فارس بودند بعد از ورود با صفهان که با کمال نظم در
مسائل عرض راه حرکت کرده بوده اند در اصفهان بقدر
نفرتجاوز مرین داشته اند عالیجاه چراغعلی خان ایچک
اصفهان هفت روزه آنها را در آنجا نگه داری و پستی
مؤده و ابطا بجا بجا آنها اقدام نموده و بقدر یکصد تومان
عالیجاه مشارالیه خرج مرخصیهای فوج مزبور نموده و بعد از
صحت در کمال نظم از اصفهان روانه فارس گردیده اند

سایر ولایات

درین هفت روز ممالک محروسه خیزی بود که در روزنامه
نوشته شود مگر اینکه از اصفهان نوشته بودند که پادری
سختی میبویا میبویا کتیک عیسوی درین روزها در جلغای
اصفهان فوت شده است و از اینک مشارالیه
بسیار آدم خوشش شنوک و نیک رفتار بوده کل
اهل آنجا اسم از سلیمن و ارانیه و عیسوی از مذنب
خودش از فوت او اظهار اندوه و ملالت نموده
بسیار شایسته بوده اند

احوال است مفرقه

در روزنامه سابق نوشته شده بود که دولت نیکی دنیا
شمالی بنا داشته که بجزیره چین که میان یمن و هند
کشتی و قشون بحری فرستند که در حضور ملکی که نسبت
بر عالیای آنها شده است در اوقاتیکه کسی آنها را
مزبور غرق شده بود از پادشاه آن مملکت که تابع
دولت چین است بازخواست نمایند قشون کشتی
حاضر کرده بوده اند که بفرستند و لکن در روزنامه
اند نوشته اند که موقوف کردند و چون اهل آنجا
و آمد و رفت زیاد بجزیره مزبوره دارند دولت نیکی دنیا
مطالبی که داشته بدولت اند رجوع کردند که پادشاه
الند با سنای دولت خود بسیار که با اهل چین گفتگو
نموده رفیع ظلمی که با اهل نیکی دنیا شده است بکنند
بعضی قسم میگویند که موقوف شدن کشتی و قشون
نیکی دنیا بجزیره چین بسبب این بود که دولت
انگلیس با دولت نیکی دنیا در باب شیلان گفتگو
دارند و بلا حظه اینکه اگر این بحث بختی و جنگ کشیده
قشون و زورشان در آن نزدیک آمده و مستعد باشد
فرستادن کشتی و قشون بجزیره چین موقوف کرد

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند در خصوص
مدن نقره که نزدیک شهر ناتس واقع است بنا دارند
در آنجا زیاد کار بکنند و بجهت این کار صخره بخاری تازه ساخته
و کان دارند که صنعت زیاد از آنجا بردارند اما بحال سالی
هفت هزار تومان بیشتر از آنجا بعین نموده است
شهر انگلیز ولایت ایتالیا را که در ممالک پاپا واقع است

در یکی از روزنامه های فرانسه نوشته اند در خصوص
مدن نقره که نزدیک شهر ناتس واقع است بنا دارند
در آنجا زیاد کار بکنند و بجهت این کار صخره بخاری تازه ساخته
و کان دارند که صنعت زیاد از آنجا بردارند اما بحال سالی
هفت هزار تومان بیشتر از آنجا بعین نموده است
شهر انگلیز ولایت ایتالیا را که در ممالک پاپا واقع است

درین روز بنا دارند که در دور او غیر از حصار و قلعه که
 دارد دیواری دیگر بکشند و سخت تر نمایند چون مردم بسیار
 مال تجارت در آنجا مخفی از کراک میگذرانند و باعث ضرر
 زیاد نسبت به دیوانست و پاپاد و کشتی بخار در لندن
 و رفتن دیوانست که این کشتیها باید در کنار آن سمت
 مملکت ایتالیا کشت کنند که نگذارند مردم مال از کراک

مخفی بمانند

پاشای مصر در یکی از آن کشتیها که ماهین مصر و انگلیس ترود
 میکند چند قطعه شیر و پنک و سایر حیوانات دستنی
 مصر را گذاشته است که بشهر لندن بفرستند که در با
 که در لندن بچینه نگاه داشتن حیوانات غریبه دارند نگاه
 بدارند

ارکش و تک فردی که بر او را میطور است بریها
 و مدتی که سیاحت میکند در آخر ماه رمضان وارد
 جزیره العرب شده است و حاکم آنولایت سحر فانی
 خدمت شاهزاده مزبور گیتی او آمده و با و توشول دولت
 سازد و بقیه جزیره العرب مردم و در کشتی شاهزاده مزبور
 مهان او بوده اند و بنا دارد که چند روز در آنجا بکشد
 و بعد از آنجا روانه جزیره مالته بشود

در روزنامه که اخبار جزیره العرب مینامند نوشته اند
 که در بلوک قسطنطنیه حاصل ابریشم امسال دو سالی حاصل
 پارسال زیاد تر فعل آمده است و چون دولت فرانس
 در عمل آوردن حاصل ابریشم سعی و کوشش زیاد نموده
 گمان دارند که سال بیال زیاد بشود و منفعت زیاد برای
 اهل آنولایت بکند

و همچنین در بلوک قسطنطنیه درین روزنامه نوشته اند
 آورده اند و در شهر پاریس در کارخانه که کجلین مینامند
 و در آنجا شکلهای از پیشینه یافته میانزد امتحان کرده اند
 خوب فعل آمده است و قسطنطنیه این روزنامه را تازه
 کاشته و فعل آورده اند و چون که در کارخانههای فرنگستان
 زیاد در وناس صرف میرسد و اکثر آنرا از مالک بعبده
 از قبیل روم و مصر و عربستان می آورند اگر قسطنطنیه

که در کنار سحر سفید و نزدیک مالک جنوب فرنگستان
 این بسیار زیاد بسیار نفع بآنها خواهد کرد و چند پیش ازین
 روزنامه را تازه در آنولایت کاشته بودند مردم میگفتند که
 فعل سحر خواهد آمد و لکن از طوریکه نوشته اند بسیار خوب فعل
 آمده و حاصل خوب داده است بیستال پیش ازین سال

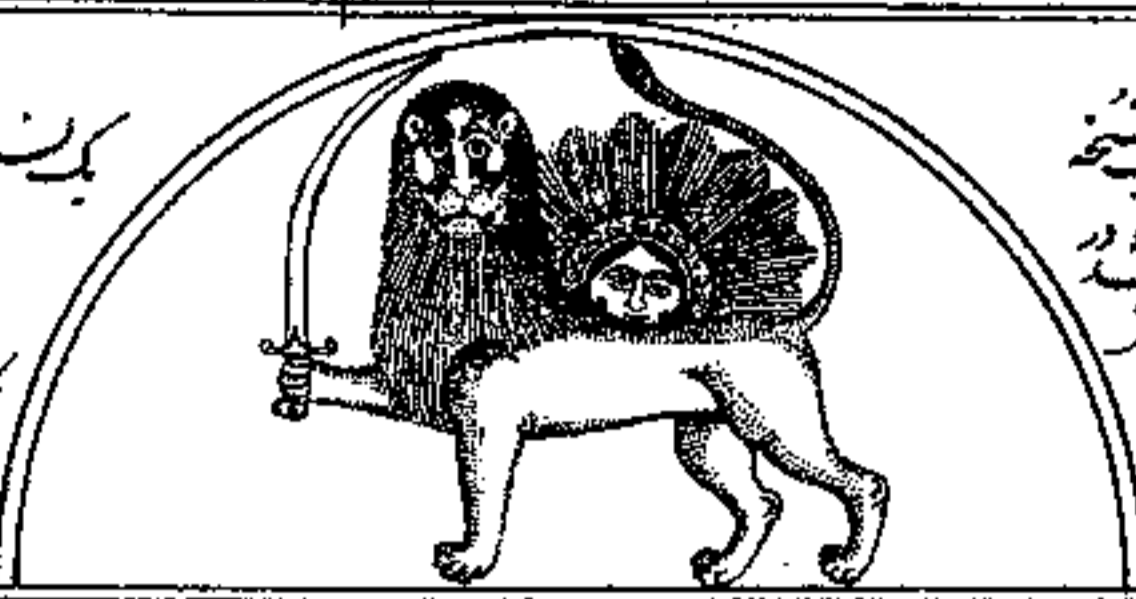
چهار هزار خوار در وناس بولایت انگلیس می آورند و چونکه
 کارخانههای آنولایت حالا بسیار زیاد شده است تعیین
 که این اوقات بیشتر می آورند و تجارت عمده در روماس دارند
 و قبش از خوار خوار میشت توان تا دوازده تومان بود
 آنچه از اصمیری آورند که آنرا آنچه از مندی آورند از آنرا

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در کارخانه حاجی عبدالحمید با سعه می
 در محله نزدیک دروازه دولا ب انطباع شد از نظر فروخته میشود
 مجمع البیان شش تومان
 تفسیر امام عسکری یک تومان
 حدیقه الشیعه یک تومان
 زینت المجالس یک تومان
 فضول خوارزمی دو تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم پنجم چارم ماه محرم الحرام مطابق سال سیچان نبل ۱۲۹۹

وقت روزنامه
یک نسخه در هر سال نزد تومان و چنانچه
وقت اعلانات
بخط ایچا سطر کهنه در
بیشتر سطر سطر



نزهت نوح و یوسف
هر کس در طهران طالب نسخه
ازین روزنامه باشد
بازار جدید در دکان
بلور و شیشه و خنجر

اخبار واحده مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه دهم این ماه که روز قتل جناب
ابا عبد الله حسین علیه السلام بود اعلیحضرت پادشاه
سجده تعزیه داری بجا رت سرور رب دیوانخانه مبارک
که مشرف میدان ارک است تشریف فرما شدند و
تکایای شهر بقراریکه متداول است هر یک با دست
علم و سیاه پوش و تعزیه خوان در میدان ارک شرفیاب
حضور مبارک گردیده رسوم تعزیه داری را معمول داشتند

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
در ضمن تخریرات آنجا نوشته شده بود در شهر نینجا محرم
اراض خان ترکان با شصت نفر از رؤسا و رئیس سفیدان
ترکانان خراسان برای تعهد خدمت گذاری این دولت
جاوید مدت و اظهار مراتب بندگی و اطاعت و انقیاد
خود بشهید مقدس خدمت نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار حسام السلطنه والی مملکت خراسان
آمده اند و در حضور نواب معزی ایبه و مغربی انخافان

علیقلی خان میر خچه و سام خان اینخانی و عباسقلخان
دره خیزی پیکر بیکی قرار بر این داده اند که اراض خان
با پنجاه نفر از رئیس سفیدان سرخس علی الدوام در مشهد
مقدس باشند و پنجاه نفر دیگر از آنها غلام شیخ مت
و غلام بوده اسبهای خود را داغ کنند و همیشه مشغول
خدمت باشند و یکصد نفر دیگر هم از آنها در قراولخانه
آنجا همیشه مستحضر و مشغول قراولی و حفظ و حراست راهها
باشند که دیگر هیچ وجهی من الوجوه تاخت و تازی از ترکانان
سرخس و غیره نسبت با الی حدود خراسان و سرودن
و عابرین واقع نشود و نواب حسام السلطنه نیز بعد از آنکه
دیدند اراض خان و آن شصت نفر رئیس سفیدان خراسانی
قدر خدمت دولت ابدیت را دانسته اند از در اطاعت
و انقیاد باین دولت جاوید نهادند و در آمده اند لازمه فواید
و انقیاد را در باره آنها نموده آنها را بر حمت و عنایت
اولیای دولت علیه مطنین و امیدوار ساخته و وجه
معتد بهی هم از خود در باره ترکانان مزبور بصیغه انعام
بذل کردند و در خور یک خلعتهای فاخره القفاست کرده

۵۴۱

یک جبهه ترهشم باراض خان داده و او نیز بیست نفر
 از آن ترکمانانی که آمده بودند فرستاده بود که رفته سایر
 ترکمانان ترهشم را بجهت رعایت اولیای دولت علییه
 سلطان و خاطر جمع سازند باینکه از قراریکه نوشته بودند
 نواب شاهراده و مغربی انخاقان علیقلی خان میرنجه و سایر
 ایخانان و عباسقلی خان درجری ترکمانان مزبور را از جهت
 رعایت اولیای دولت قاهره خاطر جمع و مطمین نمود
 اراض خان و آن بیست نفر بیست سفیدان متعهد شدند
 که از روی صداقت و صفای نیت باین دولت ابدیت
 خدمت کنند و اولیای دولت علیه هم آنچه بخواهند
 و رحمت در باره آنها در بیع نخواهند نمود و کمال امیدواری
 برای آنها حاصل است

و هم در روزنامه خراسان نوشته شده بود که از
 اتهامات اولیای دولت علیه امر آنجا در کمال نظم و
 انضباط است و نواب مستطاب شاهراده و الا بتا
 حسام السلطنه والی مملکت خراسان در انتظام امور
 آن حدود کمال جهد و اهتمام را دارند و از احدی اعم از
 مالی و لایه یا قشون نظیر نمون خلاف قاعده نسبت
 کسی ناشی و صادر نمی شود و اگر بر سبیل ندرت امر خلاف
 قاعده از سرقت و بی حسابی واقع شود نواب مغزی ای
 بمقام خوررسی برمی آیند از جمله نوشته بودند که شخصی
 از خارج شهری آمده است مادیانی داشته است و در
 او را از دستش گرفته بوده اند مراتب امرض نواب شاهراده
 حسام السلطنه رسیده آن شخص را نزد عالیجا مقرب ایخان
 علیقلی خان میرنجه فرستاده اند که در حق نماید و باین او را

هر کس بزده است رو نماید عالیجا پیش از البه نیز فرستاده
 پنجاه تومان قیمت مادیان را از سر کردهای سوار عراقی
 گرفته بصاحب مادیان داد که اگر مادیان پیدا کرده داد
 پنجاه خود را بگرداند و الا صاحب مادیان به پنجاه قیمت
 مادیان رسیده باشد از قراریکه نوشته بودند شب
 همان روز مادیان مزبوره را آورده در پشت دروازه
 سرداده بودند صبح که شد مادیان را بصباحش رسد
 پنجاه تومان که داده بودند پس گرفتند و هم چنین
 بعضی نواب شاهراده رسیده بود که شخصی در بازار
 خزینه خریده پول او را نداده است نواب مغزی ای
 فرمودند که مقرب انخاقان علیقلی خان میرنجه بیست نفر
 سرباز با یک نفر سلطان در کوچه و بازار بکارند که بیست

مراقب باشند احدی خلاف قاعده و بی حسابی ننمایند
 از قراریکه نوشته بودند بعد از نگاشتن آن بیست نفر
 سرباز و یک نفر سلطان در کوچه و بازار و محلات
 ارض قدس دره خلاف قاعده و بی حسابی واقع نشود
 دیگر نوشته بودند که امر قشون خراسان از اتهامات
 نواب حسام السلطنه و مقرب انخاقان علیقلی خان میرنجه
 در کمال انتظام و انضباط است و نواب مغزی ای
 هر روز مشغول دیدن سواران خراسانی هستند
 و هر طایفه که بان می آیند بعد از آنکه ملاحظه کردند نزد
 میرنجه میفرستند که از روی وقت بخوب و بد آنها پرسند
 و در حضور میرنجه اسبهای خود را داغ نمایند از قراریکه
 نوشته بودند سواره و قشون خراسان در کمال نظام

۵۴۲

اخبار دول خارج

تاریخ کاغذ آخر که درین روزها بمباشترین روزنامه رسید
 از فرانسه بنا بر تاریخ یکشنبه چهارم ذی حجه است لوی ناپلیان
 رئیس دولت فرانسه بخصیبه مورلنس و شهر پورتر
 رفته بود و در هر جا که میگذاشتند است از صدای مردم
 معلوم می شده است که باد بسیار مایل بوده اند در
 فرانستان قاعده است که وقتی که عامه مردم از شخص
 بزرگی رضامندی داشته باشند در چین عبور
 صدابندی کنند که فلان سلامت باشد اهل
 الطرف فرانسه که لوی ناپلیان با آنجا رفته بود عموماً
 صدابندی کنند که لوی ناپلیان سلامت باشد
 بلند کردند که امپراطور سلامت باشد و شرفانی را
 که عبور میکرد است بشادی آمدن او چراغان کرده
 بودند و ازین گذارش معلوم میشود که اهل آنجا مایل شده
 با امپراطوری لوی ناپلیان

تاریخ کاغذ آخر که از شهر لندن رسید نیز چهارم ماه
 ذی حجه بود و در روزنامه های انولایت نوشته اند که
 پادشاه انگلیس بنا داشت که حکم بدد که مشورتخانه
 خوانین و دکلاهای رعایای اهل انگلیس در تاریخ بیستم
 محرم سجد راه بردن امورات دولتی حسم بشوند
 و دوک لنتین که سردار مشهور ولایت انگلیس بود در
 تاریخ سه شنبه بیست و نهم ذی حجه در خانه
 خودش که نزدیک بدریا و دوازده فرسخ از شهر
 دور است فوت شده است در کل روزنامه های

حرکت می کنند و از احدی خلافت قاعده و بی
 حسابی واقع نمی شود و اگر بدست خلافت اتفاق بیفتد
 رفع آن برمی آید از جمله نوشته بودند که در هفتم
 رعایای بزرگی نقشی آورده مذکور داشتند که سر باز
 اورا کشته است و سر باز نام در میان طایفه است
 بعضی نواب شاهزاده رسیده آدم فرستاده
 و سر باز را آوردند بعد از آن ورثه و صفای مقتول
 هم خواستند چون دو نفر از آن سر باز را بی تقصیر
 در حضور آنها مرخص کردند نفر دیگر را که یکی از آنها
 نسبت قتل میدادند و نفر دیگر را نسبت شرارت
 بر سر راه عبور کردن که قبیله شوند و دینه خون
 مقتول را برضای ورثه اش مبلغی قرار داده گذارند

دیگر در روزنامه خراسان نوشته بودند که شخصی نزد
 مقرب امخافان علیقلی خان میرنجه آمده مذکور نمود که
 یکصد جوال و یک قبضه پل را در نیم فرسخی شهر برده
 عالیجاه مشارالیه بچهار دینار قیمت از او سر کرده
 شامون گرفته بان شخص داد و ستد چنین شخص دیگر
 نمود که جبهه مرابده اند و چهار هزار دینار قیمت داشت
 عالیجاه مشارالیه قیمت جبهه او را نیز گرفته داده بود
 و هم چنین از جنابان سفلی روجه محمد رضانا نام هر آنی
 خدمت نواب شاهزاده عرض کرده بود که اسبابی از من سر
 قاجار داعی برده است نواب مغزی الیه او را نزد مقرب امخافان
 میرنجه و نشانده که اسباب او را پیدا کرده بدین باب که
 یک تومان و ششاد دینار است گرفته داده و مرگب را قبیله نموده

۵۴۳

تقریب و توصیف سردار مزبور را بسیار نوشته اند
 مخصوص در یکی از روزنامه های فرانسه که در بهانه میماند
 نوشته اند که از حق نباید گذشت اگر چه دوک لنتین
 در ایام جنگ سردار قشون دشمنان ما بود اما بسیار
 قابل بود اهل انگلیس از خاص عام از فوس سردار مزبور
 بسیار اندوکیدن و متاسف بوده اند و وقتی که خبر فوت
 او بشنیدند بسیار گریه های کشتیبارا کردند آنجا بود
 گلاتا نصف تیرهای کشتی را کشیدند که در فرنگستان
 عزاداری میباشند

که از سنگ ساخته بودند رسید دیگر سربت بخانه های
 دیگر نکرد و خاموش شد و شصت و یک دکان
 چهل باب خانه و کاروانسرا و یک کتب سلین و یک
 کتب چودان و دو حمام و یک مسجد آتش گرفته و سوخته
 بود و ضرری که بخلق نجه این آتش گرفتن خورده است
 چارلیان فروش پول و م است که تخمیناً شصت هزار تومان
 پول ایران باشد اینقدر دکانها که سوخته و مردم
 شده اند بیش از این است که آتش در محل افتاده بود که اکثر
 اهل آنجا مردمان فقیری بضاعت بودند از طاعت بود و اکثر
 دکانها سبزی فروشی و نقالی و کفش دوزی و کهنه فروشی
 بود یک نفر که مست شده بود در میان آتش سوخت و نفر
 از طایفه یونان که دزدی میکردند قراولها که آنجا که سوخته بودند آنها
 بسیار زنده و یک نفر را زنده اند که به بیمار خانه برده اند و
 امید زندگی ندارد و مردم چنان تصور میکنند که ابتدای این آتش
 از خانه یک چود سبخت بوده که مفروض بود و بخوابستند و آن
 خانه خود را بعد آتش زده است که طلب کاران از او دست بکشند و آن
 در محبوس خانه دیوان حسن است

از مملکت استریه نوشته اند که امپراطور استریه
 تارک میدید که بشهرت برود که تاشای مشق و حرکت
 قشون را که در آنجا جمع کرده اند بکند در سرای المچی کبیر روس
 معیم وینه اطا قها حاضر کرده بودند بجهت شین و لیچید
 روستیه که میخواست با آنجا بیاید که امپراطور
 استریه بشهرت برود که تاشای مشق قشون را
 بکند و تاریخ کاغذ آخر که از وینه پای تحت استریه آده
 میت و ششم ذی قعدة بود و امپراطور استریه بنا داشت
 که در بیت و نسیم شهر مزبور از آنجا روانه شود که بشهر
 پست رود

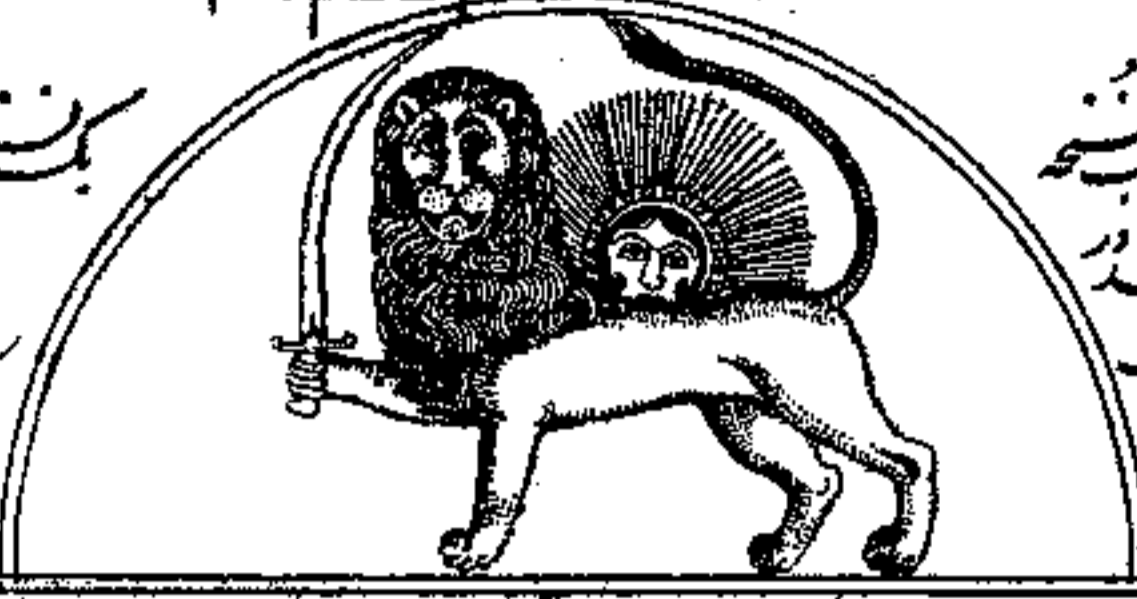
در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در تاریخ یازده
 ذی حجه یک ساعت از شب رفته آتش بشهر همیر افتاده
 و بسیاری از دکانها و بازارها و خانه ها سوخته است
 حاکم شهر مزبور قشون با آنجا حاضر کرده بود که به پاشیدن
 آتش را خاموش نماید اما تا سه ساعت صبح مانده
 نتوانستند بودند در آنوقت آتش مسجد و کاروانسرا

در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در تاریخ یازده
 ذی حجه یک ساعت از شب رفته آتش بشهر همیر افتاده
 و بسیاری از دکانها و بازارها و خانه ها سوخته است
 حاکم شهر مزبور قشون با آنجا حاضر کرده بود که به پاشیدن
 آتش را خاموش نماید اما تا سه ساعت صبح مانده
 نتوانستند بودند در آنوقت آتش مسجد و کاروانسرا

محمود پاشا که سابقاً سر کرده قشون خاص بود وزیر قشون سنجی
 شده است بجای محمد علی پاشا
 اعلانات
 قیمت کتابهای چاپی که در کارخانه حاجی عبدالعزیز دکانها و کتابخانه
 مجمع البیان شش تومان
 تفسیر امام عسکری یک تومان

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه و یکم ماه محرم الحرام مطابق سال سی و چهارم

موزه خود و بیم
 هر سر در طهران طالب
 ازین روز تا ما باشد
 بازار جدید در دکان
 سید بلور و سید فرخنده
 پیشه



قیمت روزنامه
 یک نسخه شش ماهی در تهران
 قیمت اعلانات
 یک خط چهار خطی
 بیشتر هر خط

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه شانزدهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی بجهت تفریح و شکار سوار شدند و بدو شان تیر و آن اطراف تشریف فرما گردیده نزدیک بغروب آفتاب بایک سلطانی معاودت فرمودند

در روز سه شنبه نوزدهم این ماه اعلیحضرت پادشاهی بمیدان ارک سنجیده ملاحظه فرمودند که خانم رکاب نصرت آفتاب شده بودند تشریف فرما گردیدند و فرج مزبور با کمال آراستگی و نظام صف کشیده بودند و بعد از ملاحظه حرکت نموده از نظر مهر ارض خروانی گذشتند و مورد التفات ملوکانه گردیدند و بعد از آن فرج فریروز کوهی از نظر مبارک گذشتند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از ملاحظه فرجهای مزبور ببارت سلطانی معاودت فرمودند

در روز یکم شنبه نوزدهم این ماه جناب جلالت صدر اعظم مسیح زود در میدان مشق بیرون دروازه دولت برای دیدن مشق نظامی افواج تشریف بردند چون شامان

و معلوم شد که مشق قرار داده اند که شش فرج صبح و سه فرج عصر مشق بکنند که معلوم می شود تا آنکه رسیدگی نموده در مشق بدین جهت مشق فرج از افواج در میدان مشق حاضر بودند بجان بجان سرکشی و رسیدگی نمودند و یکی مشق تفنگ کردند و دو فرج از افواج را حکم کردند که مشق پا و حرکت کنند

که یکی فرج اولی خاصه بود و یکی فرج جدید چهار محالی فرج حاضر در حرکت و مشق بسیار خوب از عهد برآمدند و زیاده از حد خوب مشق کردند جناب جلالت آیت الله عظمی بجاه تومان بان فرج انعام دادند و یک طاقه شال زرمه سیما لاجا عبدالعزیز خان سرمنگ فرج مزبور و یک طاقه نیز بقولونلی که معلم مشق نظام است دادند که موجب مزید مشق جمیع قشون شود و پیادگان نظامی مدرسه دارالقانون که در میدان مشق حاضر بودند چون بسیار خوب مشق کردند

با تمام هم در خور قابلیت انعام دادند با بجز رسیدگی کامل در مشق و حرکت قشون نظام نمودند و هر کدام که خوب مشق کردند مورد انعام و تحسین شدند و هر کدام خوب مشق کردند بمقام مواخذ در آمدند و جناب معظّم الیه بعد از رسیدگی مشق

افواج بدربار جاپون آمدند که اعلی حضرت پادشاهی که بجهت
فوج لرستانی بمیدان ارک تشریف فرما شدند در کتب
جاپون بودند

سخت اند خان و صف علیخان با سواره شاهسون ابوسمی
خود که از ارض افسس بدربار جاپون مراجعت کرده بودند
بسیار با نظم از منازل عرض داده عبور کرده اند چنانچه در

چندی قبل بی ریس قاطر از نکار بهاد عرض راه خراسان
بجاعت ترکمان بنارت برده بودند این اوقات کیفیت
اولیای دولت قاهره رسیده به عالیجاه محمد ولیخان حاکم
استرآباد تعلیم نوشتند همان قاطر را بعینه از بجاعت
ترکان گرفته ارسال دارا بخلاف نمود و بتوسط عالیجاه محمودخان
کلا تر بصاحبش رسیده بعضی سیدی کی با زیافت

سبزوار با اینکه در میان محصولات مرون شهر چادر
زده بوده اند مطلقا بجدول آنجا خوشه و پرکاهی صبر
نرسانده اند و عسوم قشون پادشاهی که از این منال
عبور کرده اند نوشته بودند که همه با نهایت نظم رفتار کرده
و هر چیز خواسته اند مانند رفتار پول داده و خریده اند

استرآباد

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
امرا بخا از اتهامات اولیای دولت علیه در کمال نظم و انضباط
و افواج متوقفین آنجا در نهایت نظم و قاعده حرکت میکنند
و احدی مرتکب خلاف قاعده و بی حسابی نمی شود از جمله
نوشته بودند این اوقات عیالی از شخص زواری شب در
کوچه ارض افسس افتاد و مفقود شده بود یک نفر از سربازان
فوج خلیج عیالی زبور پیدا کرده صبح آن شب آورده در
صحن مبارک نگاه داشته بود که بصاحبش رساند صاحب
عیال آمد عیالی خود را شناخته و چنان تصور کرده بود که سرباز
میخواهد بغرو شده بر سیده بود که قیمت این عیال چند است
گفته بود فرزندش بی قیمت پیدا کرده ام میخواهم بصاحبش
صاحب عیال گفته بود از من است و در شکم کرده ام سرباز عیال را
باورد کرده بود و شخص زوار بنیاد و ناگونی و مشرک گذاری از
انظام این دولت فکیده بود

از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بودند امر آنجا و صفحات
الوکلان در کمال نظم و انضباط است و درین اوقات عالیجاه
محمد ولیخان پیکری استرآباد برای نظم حدود و کوکلان میان
طایفه ترکمانه آنجا رفته بود و عالیجاه محمد رحیم خان مسنم بنابر
سوار و پانصد نفر سپاه بگنجی و صد نفر شجاعی همراه عالیجاه
مشارالیه بود بعد از ورود بان حدود شریف نام کوکلانی را
که سر کرده چند نفر از طایفه کوکلان بود و مصدر هرزگی و شرارت
میشد با سپه و عیالش فرجه پسین چند نفر دیگر از اشرار را گرفته و
آورده در او به عالیجاه قلیچ خان کوکلان که رئیس سفید کلا از
آنجا است بدست او سپرده و از او التزام گرفته است که بعد
یکد از هر چه از آنها هرزگی و شرارت ناشی و صادر شود
از قراریکه نوشته بودند عالیجاه محمد ولیخان پیکری استرآباد
نظم کلی در حدود کوکلان داده بر آورده است

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته بودند از اتهامات
اولیای دولت علیه و مزید مراقبت نواب مستطاب شاه

۵۴۶

والا تبار احتشام الله و له امر انجاد و کمال نظم و انضباط
 و در روز پانزدهم شهر ذیحجه احکام بجهت زیاد نظام امر
 صفحات لرستان از برود جرد نقل مکان کرده بیاض
 شاه رفته و از آنجا روانه لرستان شده اند
 که اشرا یکمصد حثارت و هرزگی شده اند مورود
 سازند فوج فریدن را با یک عراده توپ بسراه خود
 برداشته از بیاض شاه روانه خرم آباد شده اند
 و چند نفر از اشرا لرستان را رنجیر کرده بدست سرباز
 فریدن سپرده همراه خود برده اند که از فردولت و قابل
 پادشاهی رفع شرارت و هرزگی اشرا لرستان را
 کرده امر آنجا را زباده بر آنچه منظم است نظم پسند
 که احدی را قدرت و یاری شہارت و هرزگی و بیجانی نباشد

زنجان

از قراریکه در روزنامه زنجان نوشته اند امر آنجا
 از اتمامات اولیای دولت قاهره در کمال انتظام
 و وفور نعمت و فراوانی دارزانی و عالیجا میرزا
 سرتیپ و سلطانیه جمع اوری سربازان افواج
 مشغول است و از قراریکه نوشته بودند درین روز یک بار
 جمع اوری نموده بدربار جهاندار شامشای روانه خواهد
 از قراریکه نوشته بودند حسب الامر امنای دولت قاهره عمارت
 سلطانیه و سایر عمارات مرحوم عبدالعزیز را که در زنجان بالمره
 خراب بود مغرب انخاقان امیر احمد خان حاکم خمد بنا و عمل
 گذاشته و تعمیر نمایند و هم چنین در روزهای شهر را که در
 مقدر و دعوی با چنانکه خراب شده بود با بارج و بند تعمیر نمایند

احوال استخره

از قراریکه در روزنامه جریده امحوا دت اسلامبول
 در مجارستان کوهی که مستی بقوج قوف است چند
 پیش ازین آنکوه یک دفعه شکافته شده و پارچهای سنگ
 زیاد با طراف پاشیده است و از قراریکه نوشته بودند
 معادن خوب مرغوب از قبیل سنگ شیم و غیره
 از آنجا ظاهر شده است

ما بین شهرهای مجارستان راه آهن بجهت نزد کالک
 بخار معمول نموده درین اوقات اعلیحضرت امپراطور
 استریه حکم کرده است که از شهر سولوق تا دیر جیتیه و
 از آنجا تا شهر غریس و آدرینیه راه آهن بجهت نزد کالک
 بخار سازند

اگر کسی آلمانیست که یکی از مشلهای مشهور دولت فرانسه
 از قراریکه نوشته اند در ششم ماه شوال گذشته از خان
 خود سوار اسب شده بجای دیگر میرفته است درین بین
 باد شدید برخواسته و کرد و غبار زیاد و هوای بطوری
 تاریک کرده بوده است که کسی کسی را نمیدید است تا که
 عا که از پیش روی مرشل منور می آمده است با اسب
 و اسب روم کرده او را بزین زده و سرش شکافته شده
 پسرش از عقب سینه و سعی بسیار نمود لطیب و
 جراح حاضر کرده است که بکجه تراشد او را معالجه نمایند
 گوشش آنها بجانی نرسیده و بعد از سه ساعت
 فوت شده است و مرشل منور از قراریکه نوشته
 بودند مفتاد و پنج سال عمر کرده بوده و یکی از
 مردمان عمده آن ولایت بوده است

مختصی بطریق نام از پنجاه شهر فرنگستان که کوفت
 شده اخیر کشف و بیان نموده بود در ماه شوال
 گذشته در شب میت و چهارم یک ستاره دنباله
 پیدا کرده است و ستاره مذکور غایب که شد است
 دنباله او پیدا بوده است از افق شمالی میت در درجه
 ارتفاع و از شمال شرقی سیزده درجه انحطاط داشته است
 و این ستاره از قراریکه نوشته است رنگش بسیار
 سفیدی مایل و براق است بحشم نمی آید اما دور بینی که
 این شخص ساخته است ظاهری شود و این شخص چون
 غیر از دور بین اسباب دیگر ندارد تحقیق او در باب
 این ستاره از نتایج است و در وقت قرب صبح
 و براقی و در وقت بعد نقصان این ستاره را ثابت
 می کنند

از لندن پای تخت انگلیس باسلامبول پای تخت دولت
 عثمانیه آمده است و تا بحال هیچ کشتی با این سرعت
 و زودی از انگلیس باسلامبول نیامده بوده است
 از قراریکه در روزنامه های جدید و اسخوادث نوشته بود
 قعود نامی که در ایام یاغیگری اول مجاریستان بدو
 استریه بزرگ آنها بود و بعد از غلب کردن دولت استریه
 مجاریستان مشارا لیه از آنجا فرار کرده بدو تسکیکی
 شمالی رفته بود درین اوقات از تسکیکی دنیا مراجعت نمود
 و بلندن پای تخت انگلیس آمده است
 اعلانات

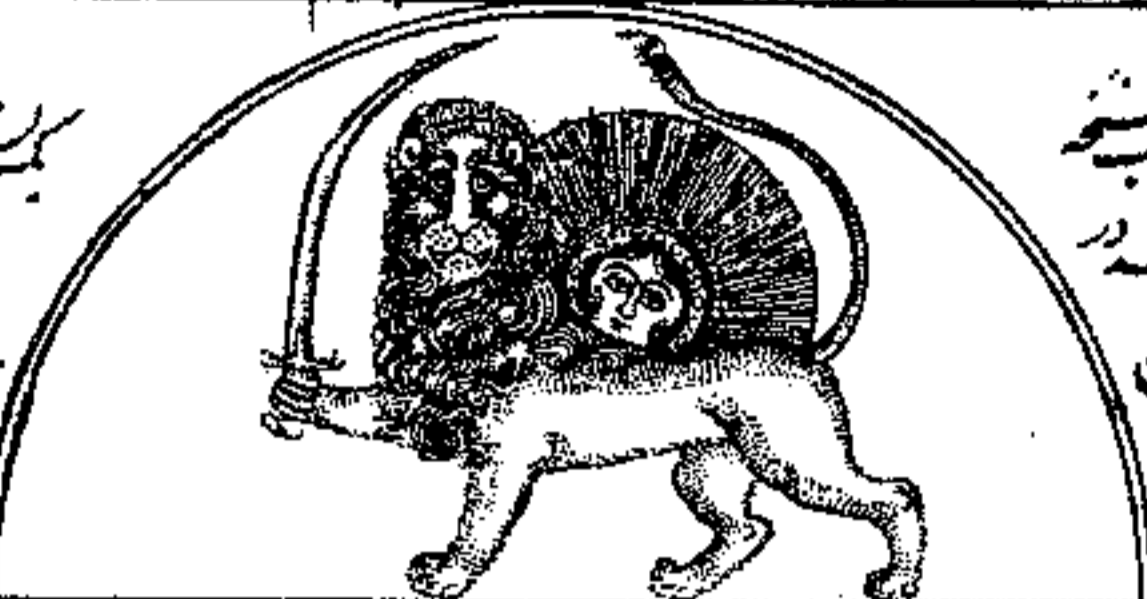
قیمت کتابهای چاپی طهران که در محله نزدیک دروازه
 و ولاب در کاخانه حاجی عبدالمجید استاد دارالطباعه
 این روزها هزاره شده از اینها را

۱۰۰	شش تومان	مجموع البیان
۵۰	یک تومان	تفسیر امام عسکری
۱۰۰	چهار تومان و نیم	شامنامه
۱۰۰	دوازده هزار	معراج السعاده
۱۰۰	نه هزار	ختم نظامی
۱۰۰	شش هزار	جوهری
۱۰۰	شش تومان	سالك
۱۰۰	سه تومان	دارک
۱۰۰	هفت هزار	کشور
۱۰۰	دو تومان	قاموس
۱۰۰	پنجاه هزار	تفسیر نامه
۱۰۰	شش هزار	کلیات

از قراریکه در روزنامه جدید و اسخوادث نوشته اند
 بجهت زیاد شدن آب رود نیل حاصل مصر و آن
 اطراف که از رود مذکور آب میخورد بسیار خوب
 و فراوان آمده است و صاحبان املاک و زراعت کاران
 از این معنی بسیار خوشند می دانند
 از مملکت یونان نوشته اند که در سواحل و لشکرگاهها
 اینجا سابقا بجهت کشتیها که از سمت اسکندریه و مصر
 و شامات می آمدند دولت یونان شت روزگراختن
 قرار داده بودند درین اوقات در گراختن آنها
 داده و بچهار روز قرار گذاشته اند
 از کشتیهای تجاری دولت انگلیس یک کشتی بزرگ
 یونانی نام از قراریکه نوشته بودند در مدت یازده روز

روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ روز شنبه ۲۱ ماه محرم الحرام مطابق سال سپحان نیل

نیت روزنامه
یکشنبه شامی در بیت چنانچه
قیمت اعلانات
یک خط از املا سطر کهر در زمان
بیشتر سطر هر خط



نزهت و سوسه
بر کسر در طهران طالب سوسه
بازین روزنامهها باشد در
بازار جدید در دوکان
سید علی تقی پور فروش
فروخته مرتبه

اخبار واحساند ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه بیت و ششم این ماه اعلیحضرت قوی
شکست پادشاهی بجهت ملاحظه افواجی که حاضر بکباب
حضرت انتساب شده بودند میدان ارک تشریف
فرما کردند و جناب جلالت آفتاب صدر اعظم در حضور
مبارک بودند فوج اردبیل و مشکین که از اوزار با بجان
حضار شده بودند با فوج تخته قاپو که از خدمت شاخوی
خراسان بدر بار جهاندار مراجعت کرده بودند با کمال
آراستگی و انتظام در میدان ارک بی نظیر اثر خسرو
رسیده و صاحب منصبان افواج مزبوره مورد انعام
و الثقات و نوازشات ملوکانه گردیدند و اعلیحضرت
پادشاهی بعد از ملاحظه افواج قاهره ببارت سلطانی
مراجعت فرموده و از آنجا بد رسد دارالقون که حسب
اقدس مایون امیر الامراء النظام مقرب الخاقان ابو دانا
و صاحب منصبان نظام مشغول تعزیه داری جناب ابوعبد
بودند تشریف فرما گردیدند و جناب جلالت آفتاب صدر اعظم
و سایر چاکران در بار مایون از نظام و غیر نظام در حضور

مبارک بودند و در رسد مزبوره را با کمال آراستگی و
زیاد از بلور آلات و غیره بجهت تعزیه داری بسند اند و
پوشش نه دیگری زده اند بعد از مراجعت اعلیحضرت پادشاهی
از در رسد مزبوره وقت عصر نزدیک بغروب آفتاب
پادشاهی بسیار شدیدی آمده بطوریکه چادر پوشش بزرگ
در رسد دارالقون را بر زمین زد و لکن از تفصیلات
باری و توجه جناب اباعبدالحسین علیه السلام با وجود
کثرت تعزیه داران و خدمت کاران با حدی ضرر و
آسیبی نرسید

و همچنین در روز شنبه ششم این ماه اعلیحضرت
پادشاهی بقورخانه مبارک تشریف فرما گردیدند و بکار
انبار رسیدگی فرمودند و از اینکه در قورخانه وجهه خانه الله
حرب و اسباب نظامی را این اوقات از انعامات اولیا
و دولت فاعره سپار بهتر از زمانهای سابق میسازند و در
عمل آنها ترقی ثقی حاصل کرده بود و تحسین نوازشات
شاهانه که گردیدند و بعد از آن بجای خانه جدید بلور سازی
ابو ایچمی جایگاه حاجی میرزا جبار نظام المصنوع تشریف

۵۴۹

بروند و بعد یک ساعت در آنجا توقف فرمودند استاد
 و عیالات کارخانه مزبور بلور آلات قبیل لاله و مردکی
 و تلیان و آویزه غیره که ساخته بودند بنظر مبارک اعلیحضرت
 پادشاهی رسانیدند و از اینکه خوب ساخته و صنوف بلور
 ساز را که تازه درین دولت علیه بر راه افتاده است بلور
 خوب از عهد برآمده بودند که در خمیره و قالب و تراش و صفا
 و خوبی امتیاز داشت پسند خاطر اقدس پادشاهی پادشاهی
 مورد انعام و نوازشات ملوکانه گردیدند و انشاء الله
 این صنعت را بدرجه کمال رسانده و بلور آلات بسیار
 خوب نمائز ساخته خواهد شد و همچنین ظروف چینی کرده
 کارخانه چینی سازی ارک ساخته شده بود در همان
 کارخانه بلور سازی بنظر مبارک اعلیحضرت پادشاهی
 رسانیدند بسیار مقبول و مستحسن افتاده و فرمایند عیالات
 رفت که ازین ظروف زیاد ساخته شود با بجهت جناب
 جلالت مآب صدراعظم افخم که در رکاب مبارک بودند
 فرمایش و تحسین در باب ان نظام امر فرمودند و جبه خانه که
 بجایگاه مقرب انخاقان محمد خان میر پنج سپرده شده
 و از اهتمام او و اولیای دولت قاهره ترقی و ترقی و تفاوت
 کلی نموده فرمودند و همچنین در باب کارخانهای بلور سایر
 چینی سازی توصیف و فرمایشات ملوکانه که منبئی
 بر تشویق و ترقی استناد ان و عیالات کارخانهای مزبور
 بود بجناب سونظم ای فرمودند و از انجا معاودت بارک
 سلطانی نمودند و چون بجهت بارندگی در موالطات و ترقی
 و در باغات بیرون شهر صفا و طراوت بهم رسیده بود
 خاطر ملوکانه عنایت فرمودند و از دروازه دولت بیرون

تشریف برده اولاباغ لاله زار تشریف فرما شده تبارک
 در آنجا صرف فرمودند و از آنجا بجهت تفریح باغ و عمارت
 قصر قاجار سوار شدند و جناب جلالت مآب صدراعظم
 و سایر چشم و خدم و در موکب طایون سوار شده
 قاجار رفتند و اعلیحضرت پادشاهی بعد از صرف عصر
 و جای نزدیک لغزوب افتاب بجا رفت ارک سلطان
 در محبت فرمودند

روزنامه جاتی که روزنامه زبان می نویسند و در کل
 ممالک دولت روی زمین با سه میوه محض اجناس
 و اطلاع است و عموما محل صدق و کذب است و هیچ
 نفره از فقرات آن بطور قطع و رسمی نبوده و نیست
 روزنامه جاتی هم که در درازا اختلاف طهران با سه میوه
 همان احوال را دارد و جزو و کلا از باب اعلان و اعلام است
 و هیچ یک از مطالب مسطوره آن قطعی و رسمی نبوده
 و سخاوت بود و مستعدنی تواند شد و صدق و کذب انجمن
 روزنامه بهیچ وجه در عهد اولیای دولت ایران قرار نگیرد

سایر ولایات

خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
 نوشته شده بود در شانزدهم شهر ذیحجه الحرام
 از جنوستان خبر صریح رسیده بود که بقدر یکصد و پنجاه
 نفر از طایفه ضاله ترکمانیه بعزم تاحت و تاز با طراف
 و جوانب جنوستان آمده اند عیالات بیرون و بیرون
 برادر مقرب انخاقان سامخان اینجانی ازین خبر متحضر
 با سواره و پیاده زیاد براه آنها رفته بود که آنها را
 دستگیر و مغلوب و منکوب سازد بعد از آنکه سواران

۵۵۰

ترکانه رسیده بود منازعه خوبی با آنها کرده بود
 و از فرد دولت و اقبال پادشاهی شکست فاحشی
 با آنها داده اسیر و اموال نهوی را از آنها مسترد
 ساخته و اکثر آنها را در بهریت نهاده بودند و هفت نفر
 از آن اسرا مقتول شده سر آنها را با چند نفر که زنده
 و سبک کرده بودند با چند سرباز با عرض است
 فرستاد از بیرون دروازه سراب بارک می آورد
 و چون اردوی مغرب انخافان علیقلی خان میر خجسته
 در آن دروازه واقع بود در آن روز ترکمانانی که از سر
 برای نغمه خدمتگذاری این دولت علیه آمده بودند در آن
 میر خجسته حضور داشتند کل بعد از شام در آن سرای آن
 ترکمانان با دای مراسم سکر گذاری زبان کشوده
 میر خجسته گفته بودند که بعد از این مراسم مرا تا خلاص شدیم
 و بعد از خدمتگذاری این دولت علیه رسیدیم
 از قراریکه نوشته بودند بعد از آنکه سرهای ترکمانان
 خدمت نواب مستطاب شاهزاده و الایاحسام
 والی مملکت خراسان آورده اند برای عالیجاه پیرزاد نور
 خلعت فرستادند و به نیرزه داران سرهای ترکمانان
 منبوه در خور هر یک وجهی انعام دادند
 و همچنین از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته شده
 در بیت هشتم و نهم اسرار محمد کریم میرزا از جانب عالیجاه
 علی خان سیستانی عریضه خدمت نواب شاهزاده و الایاحسام
 حسام السلطنه آورده بود که اولیای دولت علیه عالیجاه
 علیخان را سجدگی خود قبول فرمایند بعد از آنکه قبول
 فرمودند متعهد نظم و عقاود و در راه که محل عبور طایفه بلوچستان
 میوم که بعد ازین هیچ وجه از آنها خلاف و حیالی وی
 اعتدالی و شرارت صادر نشود و اگر صادر شود متعهد
 میوم که هم کلی اسیر و اموال غارت شده را گرفته
 کند و هم خود مورد نواخته دیوان اعلی باشم و نیز
 استند مانوده بود که یک بیک بدق نشان خورشید بخت
 سواره عالیجاه علیخان مرحمت و عنایت شود که بر
 کس معلوم شود که سواره او از نخله عا که منصوره است
 علیه هستند نواب معزی البیه نیز عالیجاه علیخان را بر
 اولیای دولت علیه امیدوار کرده قرار دادند که یک بیک
 بسیار خوبی بجه سواره او ساخته شود و جواب عریضه
 او را نوشته با یکتوب چه ترمه برسم خلعت بصحبت
 کل محو بیک غلام پیچیدست سیستانی روانه نزد عالیجاه
 علیخان نمودند و محمد کریم میرزا را قرار دادند که در ارض
 متوقف باشد تا جواب استدعای عالیجاه علیخان
 از اولیای دولت علیه برسد
 و همچنین نوشته بودند که در غرة شهر محرم الحرام یک نفر
 از نزد عالیجاه که بمداد خان بکلر سکی هزاره وارد ارض
 اقدس شده عریضه خدمت نواب حسام السلطنه
 والی مملکت خراسان نوشته دیگر بجه مغرب انخافان
 علیقلی خان میر خجسته آورده بود که هزار خانوار هزاره و باقی
 با سه خلیفه مرد و که خدایان ساروق و سالور
 در ام و همچنین نوشته بودند که در بیت نهم و نهم
 ششمی با منصف نیر شربار در اجتماع خراسان آورده و در ارض اقدس
 رسیده و نایع خراسان خریدار اجنبی بر حسن نموده بودند
 احوالات متفرقه

۵۵۱

دوین روز ما از کوه آنته که کوهی عوزنده است در مملکت اطلیا
 شعله آتش و سنگ که اخته زیاد بیرون آمده است چند
 سیاحت انجلیس خواسته بودند بالای کوه رفقه تا شامان
 شب راه افتاده بودند که در وقت طلوع آفتاب بصره رسیدند
 باشند از بازو شدید و از صدائی که از بالای کوه می آمدند
 بود که سنگ که اخته و شعله زیاد از کوه بیرون خواهد
 آمد و رفتن بیالای کوه تشویش دارد اما سنیاحان منور
 کوشش کرده و بار بالا رفتند تا همانطور که بگفته بود اتفاق
 افتاد نزدیک بصره که رسیدند بود شعله و سنگ که
 زیاد از بالای کوه بیرون آمده و کم مانده بود که سیاحان
 و بلد سینه در آنجا سوخته و تلف بشوند

چونکه درین روز ما دوای گذشته در دنیا کم پاب شده است
 و قیمتش بسبب کم یابی زیاد ترقی کرده است دولت
 بنا که داشته اند که در حجت گذشته را در مملکت بجا و به بکار
 اصل جای این درختها در جنگلهای سیکی و بنای وسطی و جنوب
 و دولت منور گشتیها بملکت بکت کوز ستاره اند که از آنجا
 ازین درختها بملکت بجا و به کوه سحر مند است بیاد و در
 روز ما آورده و در آنجا کاشته اند و کویا خوب عمل می آید

اعلانات

کتابهای چاپی طهران که در محله نزدیک دروازه دولا ب
 در کارخانه حاجی عبدالمجید سیدی استوار دارا
 این روزها ما انطباع شده از اینقرار فروخته میشود

۱	مجمع البیان	شش تومان
۲	تفسیر امام عسکری	یک تومان
۳	شاهنامه	چهار تومان و نیم
۴	معراج السعاده	دوازده هزار
۵	خوشه لطافی	نه هزار و دینار
۶	جوهری	شش هزار دینار
۷	مسالك	شش تومان
۸	مدارک	سه تومان
۹	مشکل	هفت هزار
۱۰	قاموس	دو تومان
۱۱	تعبیر نامه	پنج هزار دینار
۱۲	تکلیات	شش هزار دینار
۱۳	انوار	هشت هزار دینار
۱۴	ولستان	یک تومان

در تابستان گذشته کشتی تجاری انجلیس از بنیانی بندر
 ابوشهر و بصره می آمد و در میانش هزار و شصت صندوق
 نیک بجهت مملکت ایران بود در نزدیک شهر سقط کشتی منور
 نشست و لکن چنان نبود که نتواند بیرون بیاید درین
 اعراب دزد و عوامی که در آن اطراف مستند حمله آورده و
 کشتی را تصرف کردند اول میخواستند که گشتیهای
 انجلیس را حبس کنند بعد جنابشان از نقل آنها تصرف کردند
 بغارت اموال کشتی پرداخت و بجز کشتی بود در آنجا
 و غارت کردند صاحب کشتی از آنجا که رفته و سقط رفت
 انجلیس که در آنجا بود مراتب را با امام سقط عرض کرده و امام
 کشتی بخار با آنجا فرستاده بود که نگذارند عریبا اموال کشتی
 تجاری را ناخت و غارت نمایند و لکن کشتی امام سقط
 رسید و دو تا رسیدن کشتی با اعراب عوامی
 خواسته بودند بغارت برده بودند

روزنامه قایم اتفایه تباخ روپوشنبه ششم شهر صفر المظفر مطابق سال سیچان میل

همه روز چهارم

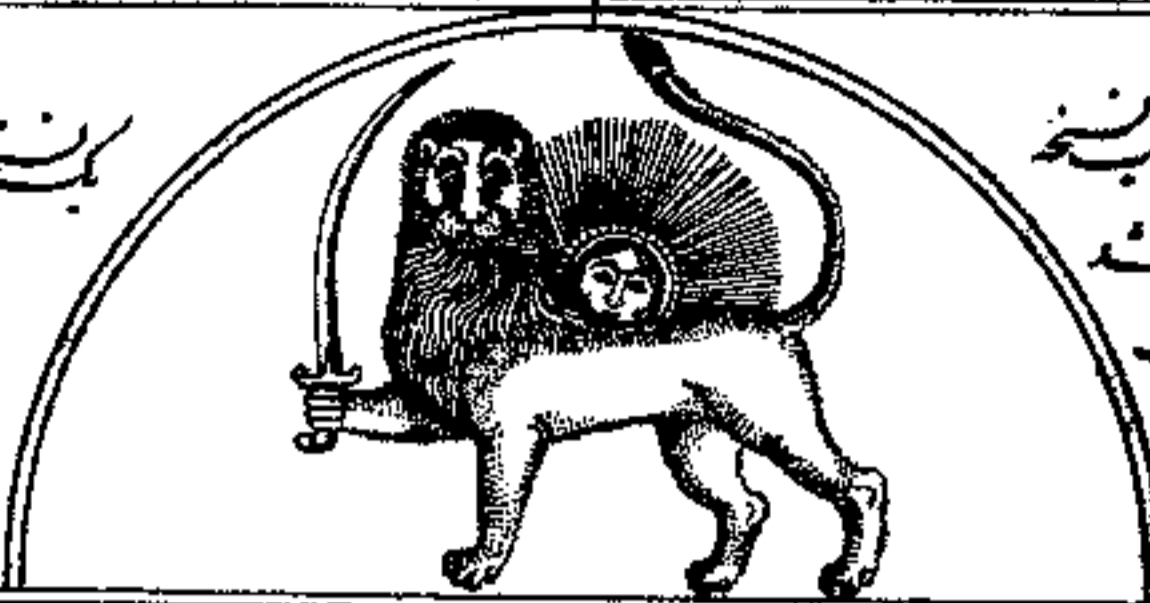
هر کس در طهران طالب است

ازین روز تا ماه باشد

در بفرار حد و کاف

سبب نفع و خوش

روز خسته میشود



قیمت روزنامه

یک شش ماهی در هر یک

قیمت اعلی است

یک سطر از اخبار

بیشتر در هر یک

اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه عتبات معز اعلی حضرت پادشاهی مدین

مشوق سپه دروازه دولت که کل قشون حاضر رکابهاون

حاضر بودند شریف بودند و بشق بجان بجان توپچی و اوج

حاضر میدان و اسی فرمودند و بدین موجب توپچی و اوج

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی توپچی

و بعل بیاد و زچون منظور اعلی حضرت پادشاهی نفع

میباشد و این پنجه را در ارومی که کاشته بودند سه مقابل

پنجه متعارفی این ولایت آمده بود درین ولایت یک

وزاعت و تجارت عمده حاصل پنجه و رشتن و کربان

پنجه است و پنجه یکی و بنا نسبت به پنجه این ولایت

مانند ابریشم است و کمال اقیاز را در ابریشم بیشتر

می آید و رسم بهتر است و منظور مباشرین روزنامه این است

که ازین پنجه که در اطراف دارالخلافه طهران کاشته اند

معلوم نبود که در کدام زمین بیشتر و بهتر بعل آمده است

لذا اعلام میشود که هر کس ازین پنجه کاشته است در

کجا کاشته و چه قسم بعل آمده است مباشرین روزنامه

اخبار نماید و امید است که کاشتن این پنجه اگر چه

بعل آمده باشد و درین ولایت متداول شود منافع

کلی آزان بر عابا و صاحبان املاک و زراعت کاران

حاصل شود

تا خوشی و با سابقه در خوشی و سلامت بود درین

اوقات از فرار یک نوشته بودند در تبریز نیز افتاد است

اگرچه اطلبای روی زمین علاجی برای این ناخوشی که تعیین کرده باشند نیافته اند و بسکن افتد زمینید که عفو است باعث این ناخوشی و سایر ناخوشیهای متری میشود و آنچه ممکن باشد باید که چاه و خانها را پاک و تیر نمایند اما سنای دولت علیه در باب پاکیزگی کوچهها و شهر دارا مخلص طران اهتمام نموده اند و ریگانه تعیین کرده اند که کوچهها و محلهها را پاکیزه نگاهدارند و لکن خلق چندان در بند پاکیزگی کوچهها و خانهای خود نیستند و بسیار لازم است که درین باب اهتمام داشته باشند که اینگونه ناخوشیها روی

سایر ولایات

اصفهان از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته شده بود امر آنجا از اهتمامات اولیای دولت قاهره در کمال نظم و انضباط است و عالیجاه چراغعلی خان ^{انگلیسی} اصفهان مراقبت کلی در جزئیات و کلیات امور آنجا دارد و غوررسی با امور و مطالب هر یک از اعیان و ولایت و قضا و ضعیف بلا تفاوت میکند در انتظام امر نظام و مشق توپچیان و سربازان و نظم قزاقانهای اصفهان هر روزه کمال وقت و اهتمام دارد و خود با صاحب منصبان در میدان نقش جهان حاضر شده کمال ترغیب و تشویق از سربازان در خصوص مشق بعمل می آورد و از هیچ نوع مورد باقی در باره سربازان مضایقه نمی کند از قرار یک نوشته بودند عالیجاه ابوالقاسم خان سرمنگ فوج دیادندی از روزنامه موریت خود با صنفان الی حال با کمال نظم هر کرده و فوج ابوالقاسمی او را کمال فطنی که دارند درین دستگیری امری که در رسم خلاف قاعد مشرع و عرف باشد نشد

و موافق قاعده و ضابطه سلوک نموده اند و رسم چنین از قرار یک نوشته اند امور داروغه و محلات اصفهان و پاس داری که خدا یان آنجا و کمال انضباط است و در باره محلات از احدی خلاف قاعده و بی حسابی ناشی نشده میشود و اگر بسبب ندرت دزدی و سرقت اتفاق افتد بجز استحضار بمقام رفیع آن بر می آید و عالیجاه چراغعلی خان همواره کمال تاکید بر یک از که خدا یان محلات و داروغه میباشد که مراقب بوده که از آنکه از احدی خلاف قاعده و

حسابی واقع میشود

از قرار یک نوشته شده بود در مجلد سوم ماه ذیحجه الحرام فوج بهادران که از دربارهایون نامور بفرارس بودند و اردو سلطنت اصفهان شده بودند و چون روز ورود آنها عالیجاه چراغعلی خان در بلوکات بوده است عالیجاه میرزا ولیخان سپهر عالیجاه مشارالیه که در شهر بوده عالیجاه ابوالقاسم خان سرمنگ فوج دیادندی و سایر صاحب منصبان و سربازان و اهل نظام را با استقبال و اعزاز و اکرام فوج مزبور روانه کرده بودند و چون اکثر آنها ناخوشش بوده اند منزل آنها را در نزدیکی عمارت مخدست که خوش هوا تر است قرار داده چند نفر طبیب حاذق و عطار و بیچاره داران صاحب دقوف بجهت آنها فرستاده بود که مشغول مداوا شوند از قرار یک نوشته بودند یکی آنها خوب شده اند و استیسی با آنها رسیده که اینک روز زوره و شش نفر آنها فوت شده بودند و باقی روز بروز رویه بهبودی گذاشته و از آنجا روانه گردیده بفرارس رفته اند عالیجاه چراغعلی خان نایب الحاکم برای قرار امور بلوکات در شانزدهم محرم

۵۵۴